



درفش کاویانی

نگه داشت یادمان های باستانی ، وظیفه ای ملی

دومین ویژه نامه ی پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادگارهای باستانی

(دشت پاسارگاد)



شماره هفتم - اسفندماه سال ۱۳۸۴



فهرست

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	مقاله
۲	• پرونده ملی سد سیوند و نیاز به عزمی ملی
۸	• ایران، اسلام و نگهداشت یادمانهای باستانی
۱۱	• سد سیوند، اعتراضی احساسی یا اعتراضی کارشناسی
۱۵	• بوستان شاهی
	گزارش
۱۷	• از ستاره شناسی تا هخامنشیان
۲۰	• یادمانهای باستانی و هویت ملی
	انجمنها
۲۳	• معرفی انجمنها
	گفت و گو
۲۵	• سازمان میراث فرهنگی، کمبود بودجه، ناتوان در رسالت خود
	درخواست نامه ها
۲۶	• ریاست محترم جمهور جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد

پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمانهای باستانی (دشت پاسارگاد)

ویژه نامه نگهداشت یادمانهای باستانی؛ وظیفه ای ملی
اسفندماه ۱۳۸۴

مدیر مسئول : مسعود لقمان

زیر نظر هموندان، پایگاه:

ارشیا لشگری

اکبر نعمتی

امیر هوشنگ امیدواری

سارا عزیزی

علیرضا افشاری

فرناز موحدی

کاوش ساعی

کاوه متین

لیلاصمدی

محبوبه مظاهری

مهسا خسروی

محسن قاسمی شاد

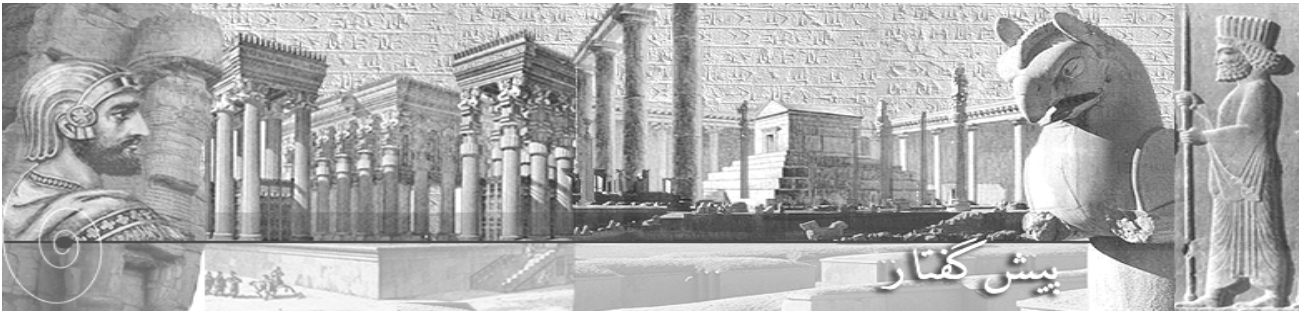
صفحه آرایی و طرح روی جلد: کاوش ساعی

با سپاس از ریاست امور فوق برنامه دانشگاه علوم پزشکی

تهران:

دکتر جعفری

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۵۹۶۹

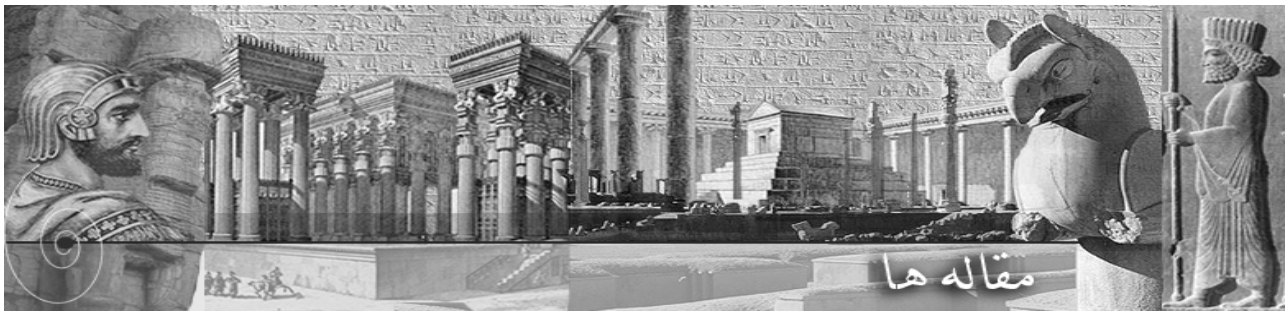


به جنبش ملی نجات یادمانهای فرهنگی بپیوندید

آگاهید که سد سیوند در شمال شهر شیراز و درون تنگه‌ی بلاغی، میان دو دشت مرغاب (پاسارگاد) و مرودشت، مراحل پایانی ساخت خود را می‌گذراند.

تنگه‌ی بلاغی به دلیل عبور عشایر و مسیر کاروان‌رو تاریخی و جاده‌ی شاهی - معروف‌ترین و کهن‌ترین جاده‌ی بین‌المللی جهان - و آثار بسیار ارزشمندی چون سکونت‌گاه‌های انسان‌های دوره‌ی پارینه‌سنگی، بقایای دهکده‌ها، کوره‌های ذوب فلز و کوره‌های ۷۵۰۰ ساله‌ی سفالگری، کارگاه‌های فرآوری غذا، سازه‌های آبی و دفاعی، گورهای باستانی، و... با پیشینه‌ای به گستره‌ی ۱۰ هزار سال، از اهمیت به‌سزایی در بررسی و شناخت تاریخ و فرهنگ ما برخوردار است که آنگی آن سد می‌تواند هم‌اکنون این آثار را به زیر غبار فراموشی و شاید نابودی ببرد. همچنین رطوبت ناشی از دریاچه‌ی پشت سد در درازمدت بر زیست‌بوم منطقه تأثیر گذاشته و با پدید آوردن و رشد دادن گیاهان مخرب بر روی سازه‌های دشت پاسارگاد، به ویژه آرامگاه کوروش بزرگ (نماد جهانی ارج‌گزاری به حقوق بشر)، اثرات ویرانگری بر این یادمان‌های گران‌قدر خواهد داشت. از این رو «**پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی (دشت پاسارگاد)**» که بازتاب‌دهنده‌ی نظر نمایندگان گروهی از انجمن‌های غیردولتی است و نزدیک به شش ماه پیش با گردآوری همه‌ی آگاهی‌ها پیرامون سد سیوند و تنگه‌ی بلاغی، گفت‌وگو با کارشناسان - چه موافق و چه مخالف راه‌اندازی سد سیوند - و در راستای اطلاع‌رسانی شفاف پیرامون این قضیه کار خود را آغاز کرده، خواهان آن است که ادامه‌ی کار ساخت سد سیوند فوراً متوقف شود تا مطالعات جامع و دقیق کارشناسی انجام گردد که اگر در نتیجه‌ی آن مطالعات، آثار زیان‌بار سد قطعاً تشخیص داده شد نیاز نباشد همانند بخش‌هایی از برج جهان‌نما تخریب شود. از این وقفه می‌توان برای رفع هرگونه شبهه درباره‌ی آسیب دیدن آثار دشت پاسارگاد و استخراج کامل اطلاعات و مستندسازی آثار تنگه‌ی بلاغی - برای شناخت بهتر تاریخ دیرینه‌ی سالمان که در ایستادگی امروز ما در برابر فرهنگ‌های مهاجم نقشی به‌سزا دارد - بهره‌جست.





پرونده ملی سد سیوند و نیاز به عزمی ملی

علیرضا افشاری

ساخت سد سیوند در سال ۱۳۷۱ بدون هیچ‌گونه پاسخی از سوی میراث فرهنگی استان فارس به استعلام سدسازان و بدون مخالفت سازمان میراث فرهنگی توسط شرکت سکو - وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - آغاز شد. هدف از ساخت این سد، کنترل سیلاب‌های رودخانه سیوند و آبرسانی به ۹ هزار هکتار از زمین‌های زبردست سد در دشت توابع ارسنجان ذکر شده است. سد سیوند از نوع خاکی - با هسته رسی - است و با توجه به فرازی‌هایی که در آن قرار است ساخته شود عمر مفیدی نزدیک به ۵۰ سال برای آن عنوان شده است، اما به دلیل این‌که این سد در مسیر سیلاب‌هاست و در نتیجه رسوب آن بالا خواهد بود، ممکن است عمر مفید آن بسیار کمتر شود.

سد دارای سه دریچه زیرین، میانی و زیرین است که در ایران به علت عدم توانایی در رسوب‌گیری به سرعت دریچه زیرین از سوددهی می‌افتد و بیشتر از دو دریچه دیگر برای هدایت آب سد استفاده می‌شود.

خبرهای نخست؛ اشتباه ولی شوک‌آور

داد و گرفت پیامک‌ها (اس‌ام‌اس‌ها) و نامه‌های الکترونیکی با موضوع «به زیر آب رفتن آرامگاه کورش» و «فروپاشی تدریجی تخت جمشید» در پی آبرگیری کامل سد سیوند، هر چند از سویی باعث شد این مسأله به دغدغه بسیاری از هم‌میهنان تبدیل شود و حتی در رسانه‌های جهانی بازتاب یابد ولی از سوی دیگر به مسئولان ساخت سد و مقام‌های دولتی نیز این فرصت را داد تا در پاسخ‌گویی تنها بر این موضوع انگشت بگذارند که «پاسارگاد به زیر آب نمی‌رود»؛ پاسخی به ظاهر قانع‌کننده که هنوز هم کم‌وبیش از سوی آنان ابراز می‌شود:

«سد سیوند با ارتفاع ۱۸۲۶/۵ متر از سطح دریا با بالاترین سیلاب محتمل که هر ۱۰ هزار سال ممکن است اتفاق بیفتد هم اگر سرریز شود ۴۰ متر پایین‌تر از سطح پاسارگاد است. به عبارتی دیگر طبق فاصله آخرین رقوم آبرگیری، بالاترین تراز دریاچه تا پایه و پی پاسارگاد بیش از ۴۰ متر اختلاف دارد و پی پاسارگاد ۴۵ متر بالاتر از رقوم آبرگیری سد سیوند است». سخنان جلال جامعی، معاون برنامه‌ریزی سازمان آب منطقه‌ای فارس و مجری طرح سیوند.

«اخبار مربوط به غرق شدن پاسارگاد کذب محض است و این اخبار ناشی از کوشش برخی افراد برای قرار دادن میراث فرهنگی در مناقشات سیاسی است. اطلاعات

هرچند پیش از این رییس کمیته میراث فرهنگی و گردشگری مجلس شورای اسلامی از تعویق آبرگیری سد سیوند دست‌کم تا دو فصل خبر داده بود ولی آخرین گفته‌های وزیر نیرو حاکی از آن است که این سد در سال آینده حتماً آبرگیری خواهد شد. آیا ممکن است این پرونده بزرگ ملی در حالی‌که هنوز به دغدغه‌های ناشی از پی‌آمدهای بالا رفتن میزان رطوبت در منطقه که به آسیب‌رسانی به ارزشمندترین یادمان باستانی ایران زمین منجر خواهد شد و در حالی‌که همه کارشناسان متفق‌القولند کار مستندسازی آثار تنگه بلاغی وقت بیشتری طلب می‌کند و بسیاری دل‌نگرانی‌های دیگر پاسخ داده نشده است، با چنین بی‌تفاوتی عظیمی بسنه شود؟ بار دیگر این پرونده را به امید برانگیختن توجه همه ایرانیان - به‌ویژه مسئولان - ورق می‌زنیم.

سد سیوند

سد سیوند در ۹۵ کیلومتری شمال شیراز، ۵۰ کیلومتری تخت‌جمشید و در حدود ۱۷ کیلومتری پاسارگاد، بر روی رودخانه پلوار و درون منطقه‌ای که به تنگه بلاغی معروف است، ساخته شده است.

تنگه‌ها معمولاً در جایی قرار می‌گیرند که دو رشته کوه ابتدا به هم نزدیک و سپس از هم دور می‌شوند. از این دور و نزدیک شدن چیزی مانند ساعت شنی به وجود می‌آید؛ در بخش‌های بالا و پایین‌اش مانند حباب‌های ساعت شنی دو دره وسیع قرار می‌گیرند که «دشت» خوانده می‌شوند و کمرگاه ساعت شنی همانی است که «تنگه» نام دارد. تنگه بلاغی در دل رشته‌کوه‌های زاگرس در استان فارس هم، چنین وضعیتی دارد؛ در شمال آن دشت مرغاب جای دارد که دربرگیرنده ویرانه‌هایی از شهر پاسارگاد، نخستین پایتخت هخامنشیان است و در سوی جنوب، دشت مرو دشت قرار دارد که به تخت جمشید، باشکوه‌ترین یادگار باستانی ایران و از برجسته‌ترین بناهای کهن جهان می‌انجامد. از این مجموعه‌ها آرامگاه کورش بزرگ، نزدیک‌ترین اثر به تنگه بلاغی است.

فاصله دهانه سد سیوند تا آثار و سازه‌های اصلی دشت مرغاب (پاسارگاد) نزدیک به ۱۷ کیلومتر و بنا به نظر کارشناسان دولتی، خط پایان آبرگیری دریاچه پشت آن - که رو به دشت مرغاب دارد - نزدیک به ۷ یا ۹ کیلومتر است در حالی که بنا به نظر پاره‌ای دیگر از کارشناسان در صورتی که سد با کل ظرفیت آبرگیری شود دریاچه‌ای که پشت آن به وجود می‌آید در نزدیکی ۴ کیلومتری آرامگاه کورش می‌ایستد.

«قطعا رطوبت پاسارگاد بالا می‌رود و بر آثار نیز تاثیر خواهد کرد اما اینکه این تاثیرات به چه میزان باشد هنوز معلوم نیست». وی در پاسخ به این پرسش که آیا تاکنون از تاثیرات منفی آبگیری سد و رطوبت حاصل از آن بر آرامگاه کوروش و سایر آثار پاسارگاد برآوردی شده است یا خیر، گفت: «تاکنون هیچ برآوردی انجام نشده است».

همچنین باید افزوده شود که «در بیشتر مواقع جریان بادی از سمت تنگه به سمت پاسارگاد برقرار است که با وجود دریاچه‌ای در آنجا، بادی که از آن سو می‌وزد رطوبت بیشتری را به پاسارگاد خواهد آورد. با افزایش میزان رطوبت سطح الارضی و تحت الارضی بر میزان رشد گل‌سنگ‌ها که یکی از عوامل فرسایشی سازه‌های سنگی است، افزوده خواهد شد».

(۲)

و اما از همه مهم‌تر خود تنگه بلاغی است. این تنگه به دلیل عبور عشایر منطقه و مسیر کاروان‌رو تاریخی، جاده شاهی - معروف‌ترین و کهن‌ترین جاده بین‌المللی جهان - و آثار بسیار ارزشمندی چون بقایای معماری، اشیاء و گورهای باستانی متعلق به ۷ هزار سال پیش تاکنون و وجود پوشش‌های گیاهی و زمین‌های کشاورزی از اهمیت به سزایی برخوردار است و به‌ویژه مهم‌ترین منطقه باستان‌شناسی برای شناخت عهد هخامنشی و صنایع تولیدی عهد آنان است. تاکنون برخی از کوره‌های فلزریزی عهد داریوش بزرگ را به دست آورده‌اند. همچنین از آنجا که عمده حقوق جنسی کارکنان دربار هخامنشی را جو و شراب تشکیل می‌داده است، کارگاه‌های شراب‌گیری پرشماری در تنگه بلاغی به دست آمده است. نیز گورستان‌های وسیعی - که خود برای جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی هر دوره‌ای بسیار ارزشمند هستند - در این دشت قرار است به زیر آب روند.



درواقع برخلاف مناطقی همچون میان‌رودان (بین‌النهرین) که سالیان درازی است خاک‌برداری از مناطق مسکونی عهد باستان در آنها انجام شده و از آن طریق، اطلاعات وسیعی درباره نوع معماری، تقسیم فضاهای خانه‌ها، کارکرد قسمت‌های مختلف خانه‌ها همچون آبریزگاه و آشپزخانه و نوع زیرساخت‌هایی همچون شالوده‌ها و نیز شبکه پساب در این مناطق به عمل آمده، مرودشت و دشت مرغاب این گنجینه‌های اطلاعاتی را تا زمان ما در سینه خود حفظ کرده‌اند؛ دو غار که سکونت‌گاه انسان‌های دوره پارینه‌سنگی - ده هزار سال به قبل - بوده‌اند، کوره‌های ذوب فلز و

اشتباه از خارج ایران سرگرفت و شایعه‌پراکنان سعی داشتند با بحرانی جلوه دادن موضوع غرق پاسارگاد به نوعی از بستر سیاسی به وجود آمده به نفع خود و سیاست‌هایی که در خدمت آن هستند، بهره ببرند». سخنان سیدمحمد بهشتی، رئیس - وقت - پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

«... ادعای رادیوهای بیگانه که طی روزهای اخیر تلاش می‌کردند آب‌گیری سد سیوند در استان فارس را تهدیدی برای آثار باستانی پاسارگاد و مقبره کوروش وانمود کنند، پوچ از آب درآمد. محمدحسین طالبیان، مدیر باشگاه میراث فرهنگی پاسارگاد گفت: هیچ خطری متوجه پاسارگاد و تخت جمشید نیست» از روزنامه جمهوری اسلامی.

در این مورد که خود سد، حتی پس از آب‌گیری کامل، آسیبی به آرامگاه کوروش نمی‌زند اکثر کارشناسان اتفاق‌نظر دارند اما دل‌نگرانی و انتقاد آنان به سه موضوع زیر بازمی‌گردد، هرچند چندین موضوع ریز و درشت دیگر نیز هنوز بی‌پاسخ مانده است:

(۱)

مشکل یکم به سست بودن خاک منطقه برمی‌گردد که می‌تواند زمینه را برای آسیب‌رسانی به پی سازه‌های دشت پاسارگاد (کاخ بارعام، کاخ دروازه، کاخ اختصاصی، گور کمبوجیه، تل تخت ... و به‌ویژه آرامگاه کوروش) آماده سازد. بابک کیال، مدیر داخلی مجموعه باستانی پاسارگاد و کارشناس مرمت آثار باستانی بر این باور است که: «با توجه به آبرفتی بودن خاک منطقه، حدس زده می‌شود جمع شدن آب در دریاچه سد باعث افزایش شدید رطوبت هوا در منطقه و بالا آمدن میزان آب سطحی شود. این اتفاق می‌تواند به پی اصلی کاخ‌ها و آرامگاه کوروش آسیب برساند». در ضمن شایسته اشاره است که هم‌اکنون هم عمق سطح آب‌های زیرزمینی در پاسارگاد کم است که با آب‌گیری سد قطعا ارتفاع این سطح کمتر نیز خواهد شد.

(۲)

مشکل دوم که بسیار جدی‌تر است و تاکنون هیچ کارشناسی - حتی کارشناسان وزارت نیرو و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری - با قاطعیت آن را رد نکرده‌اند به رطوبت ناشی از دریاچه سد بازمی‌گردد که در درازمدت بر اکوسیستم منطقه تاثیر گذاشته و با پدید آوردن و رشد دادن گیاهان مخرب بر روی آثار موجود، اثرات ویران‌گری خواهد داشت.

محمدحسین طالبیان، مدیر بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد معتقد است که: «بی‌هیچ تردید رطوبت ناشی از دریاچه سد سیوند در آینده پس از آب‌گیری روی مقبره کوروش و محوطه باستانی پاسارگاد اثرات زیان‌باری به جا می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهد که نمی‌توان جلوی این تاثیر زیان‌بار را گرفت و تنها امید ما کاهش این زیان‌هاست که بسته به کاهش آب‌گیری سد و بادهای موافق و مخالفی که در محیط در حرکت هستند، دارد».

به گفته طالبیان: «پیش از این تصور می‌رفت که بتوان با استفاده از فن‌آوری، جلو تخریب‌های رطوبت را گرفت اما امروز باور داریم که این تخریب‌ها اتفاق می‌افتد و ضرر ناشی از رطوبت روی سازه‌های پاسارگاد و مقبره کوروش در درازمدت قطعی است».

حتی جلال جامعی، مجری طرح سیوند هم گفته است که:

استعلام به عمل آمد و آقایان مخالفتی نداشتند». او در توضیح آن عدم مخالفت در گذشته و اعتراض‌های کنونی، می‌گوید: «شاید از جریان جزئیات سد و تراز آن بی‌خبر مانده‌اند و از طرفی هم می‌تواند به دلیل حساسیت‌های فعلی نسبت به حفظ میراث فرهنگی که بسیار بیشتر از ۱۰ سال پیش است، باشد».

جلال جامعی، سخنگوی مجری ساخت سد نیز در این باره می‌گوید: «در مصوبات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور هیچ اشاره‌ای به تهیه گزارشات در مورد موضوع غرق شدن محوطه‌های باستانی یا تخریب آنها نشده است. به همین علت نیز مشاور طرح ساخت سد سیوند نیز هیچ توجیهی در این موضوع نداشت. البته کارشناسان ما با مسئولان میراث فرهنگی طی این چند سالی از ساخت سد سیوند می‌گذرد ارتباط‌هایی داشته‌اند. مثلاً سال ۷۶ و ۷۷ هنگامی که قصد داشتیم زمینی را برای ساخت بخشی از تأسیسات و فضاها در نظر بگیریم با همه ارگان‌ها از جمله سازمان میراث فرهنگی در تماس بودیم. کارشناسان میراث هم به ما گفتند که در آن منطقه ممکن است محوطه‌های باستانی وجود داشته باشد پس در منطقه اخیر با احتیاط عمل کنید. اما طی این چند سال آنها هیچ اطلاعی به ما ندادند که بر اثر ساخت سد تعداد بسیار زیادی محوطه باستانی به زیر آب خواهد رفت».

این‌گونه بود که ۱۰ سال پس از شروع به ساخت سد یعنی زمستان سال ۸۱ گروهی از کارشناسان بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد با آگاهی از این موضوع که سد سیوند در مسیر راه شاهی ساخته شده است، راهی تنگه بلاغی شدند. بررسی و شناسایی آنها و سپس مطالعات باستان-شناسی بعدی آشکار کرد که تنگه بلاغی فراتر از راه شاهی و چند "خرفت‌خانه" که به چشم دیده می‌شد، ارزش و اعتبار باستانی بسیاری دارد که از دیده پنهان مانده و خاک‌های این تنگه آن را در خود فرو برده است. این‌گونه است که اوایل سال ۸۲، محمدحسین طالبیان، رئیس آن بنیاد پس از بازدید از منطقه، اهمیت موضوع را به مدیران کلان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری گوشزد می‌کند و گروهی از باستان‌شناسان ایرانی به تکمیل کاوش‌های پیشین می‌پردازند.

در تیرماه همان سال در نشست کمیته میراث جهانی یونسکو در کنار ارگ بم، پاسارگاد به‌عنوان پنجمین محوطه جهان ایران با صد در صد آرا به ثبت فهرست میراث جهانی می‌رسد. به دنبال ثبت پاسارگاد در فهرست یادمان‌های جهانی یونسکو، مدیر مرکز میراث جهانی این سازمان طی یادداشتی به معاون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و رئیس هیأت ایرانی حاضر در بیست و هشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی از پاسارگاد به‌عنوان جواهری که به فهرست میراث جهانی، زینت و شرافت می‌دهد، یاد کرد. این تعریف مدیر مرکز جهانی یونسکو را نباید یک تعارف تلقی کرد زیرا حقوق بشر و آزادی انسان که در سال ۵۲۸ پیش از میلاد از سوی کوروش اعلام شد، زیب تالار عمومی سازمان ملل متحد است.

ثبت جهانی پاسارگاد و همچنین اعلام خطر مسعود آذرنوش، رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی در مورد فرقت محوطه‌های باستانی در دریاچه پشت سد باعث می‌شود موضوع بیش از پیش اهمیت پیدا کند و

کوره‌های ۷۵۰۰ ساله سفال‌گری، دهکده‌ای متعلق به دوره هخامنشی، دو گورستان بزرگ دوره اشکانی، ۷ کیلومتر مرز سنگی (دیوار دفاعی) مربوط به همین دوران، گورستان و روستای ۹ هکتاری ساسانی - اسلامی، گورهای سنگی دوره‌های فرمان‌روایان محلی فارس (خرقه‌داران)، بخشی از یکی از شگفتی‌های سازه‌های آبی، ... و تنها بخش بازمانده از راه شاهی.

درباره اهمیت این راه می‌توان سخنان منیرو بوشناکی، معاون فرهنگی سازمان جهانی یونسکو را از نظر گذراند. وی که در دی ماه سال ۸۲ به دعوت مسئولان «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» به ایران دعوت شده بود تا از لوح ثبت جهانی پاسارگاد پرده برداری کند، درباره تهدیدات ناشی از ساخت سد سیوند به مسئولان آن سازمان گفت: «باید تلاش کنید اهمیت تنگه را از لحاظ تاریخی و هویتی به مسئولان کشوری‌تان گوشزد کنید. از طرف دیگر باید بکوشید تا صدای شما به گوش جهانیان برسد. من نیز به سهم خود در آگاه‌سازی مدیران یونسکو خواهم کوشید. تنگه بلاغی تنها بازمانده راه معروف شاهی در جهان است که با زیر آب رفتن این بخش، تنها شاهد راه‌سازی آن دوران را از دست خواهیم داد».



به این ترتیب با آب‌گیری سد سیوند بیش از ۱۳۰ اثر و محوطه باستانی شناسایی شده - که هر محوطه شامل اجزای بسیار گوناگونی است - به زیر آب خواهد رفت که بسیاری از آنان تاکنون حفاری و شناسایی علمی نشده‌اند. با از میان رفتن آنها بخشی از تاریخ و فرهنگ ما - که امکان بررسی‌اش وجود دارد - محو خواهد شد که اگر در آن میان اشیای آسیب‌پذیر (فلز، استخوان و عاج، چوب، بافته و مخصوصاً رنگ) وجود داشته باشد برای همیشه از میان خواهد رفت.

روند آگاهی از این میراث گرانقدر و تلاش‌های انجام شده هر چند هنوز این موضوع که در همان زمان آغاز به کار ساخت سد، یک یا دو محل مناسب دیگر نیز پیشنهاد شده بودند در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، نمی‌توان درباره انجام این کار تنها وزارت نیرو را مقصر دانست چنان‌که مهندس دباغ، رئیس کارگروه گردشگری و معاون عمرانی استانداری فارس که به دلیل این دو مسئولیت، یک نگاه به پاسارگاد و تنگه بلاغی و میراث فرهنگی و یک نگاه به عملیات عمرانی ساخت و انجام سد سیوند دارد به ایسنا اعلام می‌کند: «۱۰ سال پیش که پروژه سد سیوند آغاز شد از مسئولان ذی‌ربط

منطقه در اختیار ما بگذارد. باستان‌شناسان ایرانی - فرانسوی در بررسی‌های این گورستان يك هکتاری توانسته‌اند حداقل ۴۰ تا ۶۰ قبر را شناسایی کنند. بابك کیال، سرپرست مجموعه باستانی پاسارگاد در مورد محوطه‌های باستانی شناسایی‌شده گفت: «در این بررسی‌های باستانی آثاری شامل تپه‌های پیش از میلاد، کوره‌های ذوب فلز، غار و سکونت‌گاه‌های پیش از تاریخ، دو گورستان دسته‌جمعی مربوط به دوران اشکانی و آثار دیگر به دست آمده است».

تیم مشترک باستان‌شناسان ایرانی - آلمانی نیز با شروع کاوش‌های نجات‌بخشی در محوطه باستانی پشت سد سیوند در تنگه بلاغی يك محوطه باستانی مربوط به ۷ هزار سال پیش را به همراه يك مهر باستانی متعلق به ۵ هزار و پانصد سال پیش کشف کردند.

هیأت ایرانی - ژاپنی گروه بعدی باستان‌شناسان پروژه نجات‌بخشی تنگه بلاغی بودند که کارشان را در خرداد سال ۸۴ آغاز کردند. دو غار باستانی مربوط به دوره پارینه‌سنگی (۱۰ هزار سال پیش) و کشف ابزارهای سنگی از این غارها حاصل تلاش این هیأت بود.

آخرین هیأتی که به جمع کاوش‌گران تنگه بلاغی پیوسته هیأت ایرانی - آمریکایی است که بر روی راه شاهی به کار پرداخته‌اند. آنها با کشف ساختارهای جالبی از این جاده باستانی و مسیر کاروان‌رو اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که درباره تداوم آن باید چاره‌ای اندیشیده شود زیرا طبق بررسی‌ها امکان استفاده گردشگران از این راه همچنان وجود دارد.



در حال حاضر دومین فصل کاوش در تنگه بلاغی به پایان رسیده و دکتر آذرنوش - در گفت‌وگو با نویسنده - عنوان کرده است که سه هیأت برای ادامه کار اعلام آمادگی کرده‌اند تا اردی‌بهشت‌ماه به منطقه اعزام شوند. از ۴۸ نقطه‌ای که بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد در نظر دارد روی آنها کاوش اضطراری انجام دهد نیز تاکنون تنها ۱۶ نقطه کاوش شده است. البته پیش از این حدود ۲۴ نقطه مورد حفاری غیرمجاز واقع شده بود که اطلاعات آنها را از بین رفته است.

اکنون چه کاری انجام می‌شود؟

هنوز سه دغدغه‌ای عمده‌ای که آب‌گیری سد در پی دارد، پابرجاست. مسئولان دولتی در برابر این دغدغه‌ها دو راه در پیش گرفته‌اند:

۱- چنین عنوان می‌کنند که اگر آثاری «بسیار ارزشمند»

واکنش‌های جهانی آغاز گردد. شهریور همان سال مسئولان بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد با اعلام اطلاعیه‌ای از کارشناسان جهانی دعوت کردند تا برای نجات‌بخشی آثار موجود در تنگه بلاغی به ایران بیایند. در پی این فراخوان ۷ گروه پژوهشی دانشگاهی مشترک ایرانی و دانشگاه‌های بولونیای ایتالیا، ورشو لهستان، کیوتو ژاپن، پژوهشگاه لومیر فرانسه، مرکز مطالعات ایران‌شناسی آلمان، مرکز باستان‌شناسی آلمان و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران فصل اول کاوش خود را از اسفندماه ۸۳ آغاز کردند.

باستان‌شناسان ایرانی - ایتالیایی، نخستین هیأت کاوش‌گران تنگه بلاغی بودند که از اواخر بهمن‌ماه سال ۸۳ فعالیت خود را در این محوطه باستانی آغاز کردند. آنها با ادامه کاوش‌های خود در دریاچه سد سیوند در کنار راه شاهی دهکده‌ای متعلق به دوران هخامنشی را کشف کردند. علیرضا عسگری، سرپرست ایرانی تیم مشترک ایران - ایتالیا در این باره گفت: «با ادامه کاوش‌ها در یکی از محوطه‌های باستانی در داخل تنگه بلاغی که تصور می‌کردیم متعلق به دوره‌های فراهخامنشی باشد و با جمع‌آوری ۵ هزار قطعه سفال از سطح این محوطه و در زیر يك لایه آبرفتی به بقایای معماری و سازه‌هایی سنگی متعلق به يك دهکده به جا مانده از دوران هخامنشی برخورد کردیم». این کشف بزرگ سبب شد تا کاوش‌ها در تنگه بلاغی جدی‌تر شود و باستان‌شناسان انتظار یافتن آثار ارزشمندتری را داشته باشند.

پس از کاوش ایتالیایی‌ها سه هیأت ایرانی - لهستانی، ایرانی - آلمانی و ایرانی - فرانسوی به‌صورت هم‌زمان کاوش در تنگه بلاغی را آغاز کردند. هیأت ایرانی - لهستانی موفق شد تا در بررسی‌های خود آثار منحصر به فردی از يك دیوار که بخشی از محوطه تنگه بلاغی را محصور کرده و احتمال می‌رفت دیواری دفاعی باشد به همراه کوره سفال‌گری متعلق به ۷۵۰۰ سال پیش و ظرف بزرگی را که قطر بدنه آن يك متر و ۲۲ سانتی‌متر است و بیش از يك متر و ۴۰ سانتی‌متر طول و ۱۲۰ کیلوگرم وزن دارد، کشف کند. ادامه این بررسی‌ها در کناره راه شاهی منجر به کشف يك روستا و قبرستان متعلق به اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی شد. پایان کاوش‌های هیأت نیز هم‌زمان با کشف ساختارهای معماری‌ای شد که برای تولید نوعی شراب مورد استفاده قرار می‌گرفته است. علی‌اسدی، سرپرست ایرانی تیم مشترک ایران - لهستان در مورد کشف این ساختارهای معماری گفت: «با ارائه کاوش‌های نجات‌بخشی در یکی از محوطه‌ها به يك حوض شیب‌دار که به جویی منتهی می‌شود و در کف آن بقایای سفال‌هایی وجود دارد، برخوردیم که برای ساخت نوعی نوشیدنی از آن استفاده می‌شده است».

هم‌زمان با کاوش‌های هیأت ایرانی - لهستانی، هیأت ایرانی - فرانسوی مطالعه روی بقایای به جا مانده از سنگ‌چین‌های موسوم به راه شاهی در این تنگه را آغاز کردند. این تیم با کاوش‌های نجات‌بخش در یکی از گورستان‌های کلان‌سنگی کشف شده در دریاچه سد سیوند در تنگه بلاغی بقایای اسکلت مردی بزرگ‌سال و يك ظرف سفالی را کشف کردند. به گفته عطایی، سرپرست هیأت ایرانی تیم ایران - فرانسه، بررسی‌های انسان‌شناسی روی این اسکلت و اسکلت‌های احتمالی آینده می‌تواند اطلاعاتی را در مورد مرگ، وجود بیماری‌های احتمالی و خصوصیات فیزیکی ساکنان این

توجه به این که برای پر شدن کامل دریاچه سد يك سال نیاز است باستان‌شناسان با وجود شروع آبیگری می‌توانند کار خود را ادامه دهند». وی افزود: «دریاچه سد سیوند بیش از ۱۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و پر شدن این حجم دریاچه به يك باره اتفاق نمی‌افتد بلکه به مرور زمان انجام می‌شود و کارشناسان می‌توانند از این زمان به خصوص در بخش انتهایی سد برای نجات محوطه‌ها استفاده کنند». البته این آبیگری تدریجی از این‌روست که چون «سد سیوند، سدی خاکی با هسته رسی است اقتضای فنی سد ایجاب می‌کند که آبیگری آن یکباره انجام نشود و تدریجی بودن آبیگری به پایایی سد کمک می‌کند».

در حالی که کارشناسان حداقل زمان مورد نیاز برای تنها نجات بخشی این محوطه‌ها - و نه پژوهشی دامنه‌دار - را ۲ سال می‌دانند، در غیر این صورت بسیاری از محوطه‌ها بدون کاوش غرق خواهد شد.

به تازگی پیدا شدن دهکده‌ای متعلق به دوره هخامنشی و به‌ویژه گورستان آن دهکده در حوزه آبیگری مقدماتی باعث شد تا احتمال عقب افتادن کوتاه مدت آبیگری قوت بگیرد ولی نباید فراموش کنیم هیات باستان‌شناسی ایران و ایتالیا در آخرین مستندسازی خود موفق به کشف گورستان مذکور شد؛ گورستانی که با داده‌های آن درباره نوع خاکسپاری ایرانیان، روش تدفین دخمه‌ای برای همه ایرانیان به زیر سوال برده شد. پس اگر آخرین پژوهش در مکانی که قرار است محل نخست در آبیگری مقدماتی باشد چنین دستاوردهایی داشته، این احتمال نمی‌رود که با دادن زمان بیشتر - آن هم بدون وارد کردن فشارهای روانی مبنی بر شتاب دادن به کار - به باستان‌شناسان، آثاری دیگر و حتی به مراتب به غنی‌تر کشف شود؟ آیا شناخت بیشتر تاریخ ایرانیان که رمز وحدت ملی و پایداری فرهنگ ملی امروزی آنان در آن نهفته است تا این پایه بی‌اهمیت است که چنین بی‌اعتنا می‌خواهیم از کنار آن بگذریم؟

درباره رطوبت ناشی از آبیگری سد نیز تنها به این بسنده شده که: «با پایین آوردن میزان آبیگری، میزان رطوبت را کاهش دهیم». هم‌چنین عنوان شده است که برای منحرف ساختن مسیر رطوبت، می‌شود اقدام به درخت‌کاری در خلاف جهت آثار باستانی کرد زیرا درختان در دورانی که نهال هستند جذب کننده رطوبت‌اند، در حالی که همین نهال‌ها پس از چند سال و با به رطوبت نسبی رسیدن منطقه، خود ایجاد کننده نم و رطوبت هستند که دشمنی وحشتناک برای آثاری از نوع پاسارگاد به‌شمار می‌رود.

به این ترتیب با شروع آبیگری سد در نیمه اسفندماه دو سال زمان می‌برد تا در حدود ۸ کیلومتر از تنگه ۱۸ کیلومتری بلاغی به همراه آثار درون آن به زیر آب فرو رود، و زمانی بیشتر نیاز است تا رطوبت خاک و هوا مهم‌ترین آثار تمدنی تاریخ ایران را فرسوده و نابود سازند.

وجه قانونی

محوطه باستانی پاسارگاد - که دربرگیرنده تنگه بلاغی نیز هست - پنجمین محوطه جهانی ایران است که طی آخرین نشست یونسکو که در چین برگزار شد به علت دارا بودن شاخصه‌های فراوانی با صددرصد آرا در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. هر اثر که در فهرست جهانی یونسکو جای می‌گیرد طبق کنوانسیون میراث فرهنگی و تاریخی باید از سوی کشور نگهدارنده اثر مورد توجه ویژه قرار گیرد و هیچ‌گونه اقدامی در راستای به خطر افتادن آن انجام نشود.

علاوه بر این به گفته محمدعلی دادخواه، سخنگوی کانون

به‌دست آید کار به بهره‌برداری رساندن سد را متوقف خواهند کرد (که طبیعی است هیچ وقت يك اثر که به تنهایی دارای ارزش مادی بسیار بالایی باشد - مثلاً معادل هزینه ساخت سد - به‌دست نخواهد آمد):

«... هر چه بود، این است که ما تا به حال چیزی آنجا کشف نکردیم. در عین حال برای این که ابهامی نماند الان چند اکپ داخلي و خارجی دارند آنجا گمانه‌زنی می‌کنند که ببینند واقعاً چیزی آنجا استخراج می‌کنیم. چون چیزی تا الان پیدا نشده است و همه آن گمانه است و نه علمی است و نه کارشناسی». مهندس پرویز فتاح، وزیر نیرو (در گفت‌وگو با سایت خدمت).

«اعتبار مطالعاتی ویژه در این باره در نظر گرفته شده است و تاکنون نیز گروه‌های کاوشگر ایرانی و خارجی مطالعاتی در منطقه تنگه بلاغی انجام داده‌اند اما بعید است آثار فوق‌العاده ارزش‌مندی (?) پیدا کنند». مهندس خلیل رضاییان، مدیر عامل سازمان آب منطقه‌ای فارس.

حتی چهره‌ای علمی چون محمدحسن طالبیان، مدیر بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد - که پیش از این گفته بود هر اثر به نوبه خود حائز اهمیت است و تنگه بلاغی، منطقه‌ای طبیعی بین پارسه و پاسارگاد است که بیشترین اتفاقات اجتماعی، اقتصادی و تاریخی در آن رخ داده و از دوره هخامنشی تا دوره اسلامی آثار فراوانی در آن یافت شده است و در حالی زیر آب می‌رود که از دیدگاه باستان‌شناسان يك نظام اجتماعی، تاریخی و اقتصادی محسوب می‌شود که هیچ کدام از آنها جدا از هم نیستند - می‌گوید: «طبق توافق با مسئولان وزارت نیرو مقرر گردید تا زمانی که از زیر آب رفتن اثر فرهنگی خاص (?) اطمینان حاصل شود کار ساخت سد ادامه داشته باشد». وی در جایی دیگر نیز گفته است: «اگر يك اثر ارزشمند شامل هر چیزی، خواه معماری یا مقبره و... در این محوطه یافت شود به نحوی که ارزشی بیش از ۵۰ میلیارد هزینه سد داشته باشد از مسئولان سد می‌خواهیم که سدشان را در جای دیگر بزنند».

اما طاهای هاشمی، معاون پارلمانی سازمان میراث فرهنگی به درستی بر این باور است که: «... و در صورتی که مطمئن شویم از ابتدای کار احداث سد، مجریان طرح سد سیوند از سازمان میراث فرهنگی استعلام کرده‌اند، کلیه مسئولان گذشته سازمان میراث فرهنگی و گردشگری باید پاسخگو باشند... از این پس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قبل از شروع هر پروژه‌ای حساسیت‌های لازم را به کار خواهد گرفت و تلاش خواهد کرد نظر کارشناسی خود را با توجه به جوانب مسأله اعلام کند... بعد از اتمام مطالعات و کاوش‌ها هم، در صورتی که نظر کارشناسان بر این باشد که در صورت آبیگری سد به آثار تاریخی لطمه جدی وارد خواهد شد، از آنجا که وظیفه ما حفاظت از میراث فرهنگی است، ضمن اینکه همه مسئولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری باید پاسخگو باشند، از کلیه ظرفیت و توان خود استفاده خواهیم کرد که آبیگری سد را متوقف کنیم... میراث فرهنگی کشور، نماد هویت ملی و سابقه فرهنگی و تمدن ایران است و اگر میلیاردها دلار هزینه شود، هرگز اثری مانند پاسارگاد و مقبره کوروش نخواهیم داشت، بنابراین با توقف آبیگری سد نه تنها دولت متضرر نخواهد شد، بلکه از نابودی سرمایه‌ای عظیم جلوگیری کرده است».

۲- جلال جامعی گفته است: «آبیگری سد طبق برنامه اعلام شده در بهمن ماه سال جاری انجام می‌شود. اما با

«مجموع سودی که از این سد به دست خواهد آمد با درآمدی که از راه فروش بلیت برای دیدار از این مناطق می‌توان به دست آورد برابری نمی‌کند».

به گمان ما کاری که اکنون می‌توان کرد این است که از شرایط پیش‌آمده بهره جسته و با یاری یونسکو - چنان‌که با اعزام بیش از ۷۰ هیأت باستان‌شناسی برای مستندسازی محوطه‌ی نوییه، آن را برای ساخت سد آسوان در مصر آماده ساخت - کار شناسایی علمی و حفاری منطقه تنگه بلاغی را با به تأخیر انداختن دست‌کم چهارساله آگیری سد با دقت به اتمام رساند. در این مدت نیز باید برای حل دو مشکل «آبرفتی بودن خاک منطقه» و «رطوبت ناشی از شکل‌گیری دریاچه سد» چاره‌ای اندیشید، چاره‌ای قطعی و از روی یقین، نه احتمالی، چون نمی‌شود با بناهایی که خاطره هزاران سال تاریخ ایران را در دل دارند به‌صورت آزمون و خطا برخورد نمود.

این خواستی است که «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) به نمایندگی شماری از انجمن‌های غیردولتی پی‌گیر آن است. تعدادی از این انجمن‌ها چندی پیش (آدینه ۱۲ آبان‌ماه سال جاری) با گرد آمدن در محوطه تاریخی پاسارگاد بیانیه‌ای در این زمینه صادر کردند. امضا کردن نمایندگان انجمن‌ها در پای این بیانیه - که ضمن آوردن دلایل خواهان به عقب افتادن آگیری سد سیوند شده است - همچنان ادامه دارد. انجمن‌هایی که تاکنون این بیانیه را امضا کرده‌اند عبارتند از:

کانون گسترش فرهنگ ایران بزرگ (اصفهان)، مؤسسه‌ی کاوه آهنگر (همدان)، مؤسسه‌ی مهرآیین (رامهرمز)، انجمن افراز (تهران)، جمعیت سپندارمدان (تهران)، کانون پرستوهای آزاد (تهران)، مؤسسه‌ی توفان (شوشتر)، کانون جوانان پارس (شیراز)، انجمن فریاد (شیراز)، انجمن کهن‌دژ (همدان)، انجمن اهورامنش (مرودشت)، کانون آریا (دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دانش‌آموختگان بنیاد نیشابور (تهران)، کانون ایران‌شناسی پاسارگاد (دانشگاه تهران)، انجمن علمی باستان‌شناسی (دانشگاه تهران)، انجمن یادگار نیاکان ما (تهران)، انجمن پژواک نو (تهران)، جمعیت حامیان زمین (تهران)، کانون خورشید (تهران)، خانه‌ی باد و باران (همدان)، جمعیت طبیعت‌پاران (اصفهان)، انجمن مثنوی‌پژوهان (اصفهان)، انجمن وحدت جوانان ایران-زمین (اصفهان)، کانون پارس‌فرهنگ (الیگودرز)، جمعیت طلایه‌داران اندیشه‌های نو (فریمان)، موسسه‌ی زیست-محیطی سیزاندیشان (اراک)، انجمن شهداد (اراک)، کانون عرشیان (اراک).

«پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) که اکنون در دفتر «انجمن فرهنگی ایران‌زمین» (افراز) - ولی مستقل از آن - مستقر است نزدیک به چهار ماه پیش با گردآوری همه‌ی آگاهی‌ها پیرامون سد سیوند و تنگه‌ی بلاغی، گفت‌وگو با کارشناسان، چه موافق و چه مخالف راه‌اندازی سد سیوند، و در راستای اطلاع‌رسانی شفاف پیرامون این قضیه و مورد‌های مشابه - که متأسفانه بسیار زیاد شده است - کار خود را آغاز کرد. این پایگاه به‌تازگی برای سرعت بخشیدن به کار اطلاع-رسانی خود تارنمای www.sivand.com را راه اندازی کردند.

علیرضا افشاری: روزنامه‌نگار و دبیر «پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) در تهیه این نوشتار از مقاله‌ها، گزارش‌ها، ... که پیش از این در این باره نوشته شده بود، بهره بسیار برده شد. از همه کسانی که در این راه گام برداشته و برمی‌دارند، سپاسگزاریم.

مدافعان حقوق بشر: «يك سري از قواعد هست که قانون‌ساز است. این معاهدات جهانی که ما به آنها پیوسته‌ایم مانند میثاق اجتماعی - فرهنگی که در ماده ۲۵ آن صراحتاً میراث فرهنگی را در زمره حقوق بشر ذکر کرده و ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر این مهم پای فشرده است، اینها با توجه به ماده ۹ قانون مدنی ایران در حکم قانون داخلی است و هر ایرانی می‌تواند به آنها استناد کند. و چون این معاهدات قانون‌ساز بوده‌اند، هر قانونی که برخلاف اینها باشد در وجاهت قانونی نیست که دادگاه به آنها استناد کند».

هم‌چنین به باور خانم شیرین عبادی، وکیل برجسته: «حفظ آثار باستانی، مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بر عهده دولت و تک‌تک افراد جامعه قرار دارد و از این‌رو مخالفت با چنین عمل اشتباهی باید صورت گیرد. در حالی که سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بخواهد در این رابطه کم‌کاری کند و از طرح شکایت به منظور جلوگیری از احداث سد امتناع کند، کانون مدافعان حقوق بشر وظیفه خود می‌داند که برای حفظ میراث فرهنگی کشور اقامه دعوا کند همچنان که در مورد برج جهان‌نما پیش‌قدم شد. پیش‌گامی این کانون باعث شد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به خود بیاید و آنها نیز طرح دعوا کردند و به این ترتیب میدان نقش جهان را از دستبرد برج‌سازان بی‌اعتنا به فرهنگ حفظ کردیم».

چه کار می‌توان کرد؟

نخست باید این نکته را یادآور شد که سدسازی تنها راه برای حل مشکلات کم‌آبی زمین‌های کشاورزی نیست. تجربه چند هزار ساله ایرانیان نشان داده که به‌ویژه در سرزمین ما که با مشکل «کمبود آب» و «طغیان آب» دست و پنجه نرم می‌کند طرح‌هایی چون «آبخوان‌داری» (مهار سیلاب که باعث افزایش ذخیره آب سفره‌های آب‌های زیرزمینی - آبخوان - می‌شود) بسیار کاربردی‌تر است، که در نتیجه به یاری نظام کاربری (قنات) رساندن آب به هر نقطه‌ای بسیار باصرفه‌تر انجام می‌شود. در تاریخ این مرز و بوم دیده شده که نیاکان ما با وجود داشتن توانایی‌های بسیار، به ندرت اقدام به ساخت سد کرده‌اند و معضل کم‌آبی را به یاری کاریز پشت سر گذاشته‌اند.

به هر روی اکنون وضعیت به آنجا رسیده که نزدیک به سه‌چهارم عملیات ساخت سد سیوند انجام شده است.

حتی سخت‌ترین منتقدان ساخت این سد نیز با پیشرفت و آبادانی مخالف نیستند اما آیا تراز داده‌ها و گرفته‌ها یا به عبارتی دیگر سودها و ضررها نیز چنین پیشرفتی را نشان می‌دهد؟

فراموش نکنیم «سوی دیگر قضیه نه کارشناسان میراث فرهنگی و سازمان یونسکو، که در واقع پیشینه تمدن کهن‌سال و دیرینه‌ای است که می‌تواند طرف چند سال آینده یکی از بزرگترین مراکز تحقیقاتی، پژوهشی و گردشگری باشد؛ امتیاز و استعدادی که به‌صورت بالقوه در سراسر ایران‌زمین وجود دارد... وسعت، پراکندگی، کمیت، کیفیت، قدمت و اهمیت میراث تاریخی کشور ما آن چنان است که به اعتقاد برخی به راحتی می‌تواند قابلیت جایگزینی نقش نفت در اقتصاد را داشته باشد و علاوه بر جذب تیم‌های کارشناسی و علاقه‌مند به تاریخ می‌تواند بسیاری از گردشگران را راهی ایران کند، آن‌چنان که به آسانی چشم بر سازه‌های رنگارنگ و مصنوعی کشورهای حاشیه خلیج فارس ببندند». به قول دکتر علی حسوری، استاد آگاه تاریخ:

ایران، اسلام و نگهداشت یادمانهای باستانی

محسن قاسمی شاد



هند، اندونزی، مالزی، چین، یمن و ... و دیگر سرزمینها شدیم که با داد و ستد بازرگانان ایرانی با دین اسلام آشنا شده و مسلمان شدند. از دلیلهایی که در اثبات نفوذ اسلام از راه ایران به شرق دور می توان یاد کرد، این است که در خاور دور هنگام طرز صحیح قرائت قرآن برای نشان دادن حروف مصوت الفبای عربی، اصطلاحات فارسی به کار می برند نه عربی. نشانه ی دیگری نیز از تاثیر فرهنگ ایرانی در ضمن مطالعات آثار شرق دور می توان یافت این است آنها برخی از واژه های دینی را از معادل فارسی آن بهره مند می شوند مانند نماز که صلاه نمی گویند (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به کتاب اسلام، صراط مستقیم، صفحات ۴۶۶ تا ۴۶۷).

از خدماتی که ایران به اسلام کرده، نخست تمدن بزرگ ایرانی است که ایرانیان بقایای تمدن تلطیف شده و پرورده ای را به اسلام تحویل دادند که بر اثر آن حیاتی که این مذهب در آن دمید جان تازه ای گرفت: اداره ی سرزمین اسلامی، نشر و تبلیغ اسلام، سربازی و فداکاری نسبت به اسلام، دانش و فرهنگ عظیم ایرانی، قرائت و تفسیر قرآن، روایت، کلام، حدیث، رجال، لغت، نحو، صرف، بلاغت که جز نخستین علوم اسلامی است، ... و ایرانیان از دبیره(خط) پهلوی خطی پدید آوردند تا با آن قرآن را به نگارش در آورند. سپس تدوین و تالیف کتابهایی در زمینه فقه، ادبیات، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، صنعت و هنر که ایرانیان در طول این ۱۴ قرن به اسلام هدیه کردند. (در این باره بنگرید به خدمات متقابل اسلام و ایران؛ استاد مرتضی مطهری، کارنامه اسلام؛ دکتر زرین کوب).

تاریخ چراغی است که مسیر زندگی انسانها را روشن می‌سازد، و جاده‌ها را برای حرکت مردم امروز باز و هموار

در حدود ۹۸٪ از ما مردم ایران مسلمانیم. ما ایرانیان مسلمان به اسلام به حکم اینکه مذهب ماست ایمان و اعتقاد داریم و به ایران به حکم اینکه میهن ماست مهر می ورزیم. از این رو سخت علاقه مندیم که مسایلی را که از یک طرف با آنچه به آن ایمان و اعتقاد داریم و از طرف دیگر با آنچه به آن مهر می ورزیم پیوند دارد به روشنی درک کنیم و تکلیف خود را در آن مسایل بدانیم. ما هم احساسات مذهبی اسلامی داریم و هم احساسات میهنی ایرانی، که این احساسات هیچ کدام همدیگر را نقض نمی کند. همانطور که می دانیم حب الوطن به عنوان نشانه ای از ایمان فرموده ی پیامبر اکرم (ص) است.

برای اسلام به عنوان یک دین که به حکم محتوای غنی خود ملتی با هوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیفته ی خود ساخته است و برای ایران به عنوان یک ملت که به حکم روح حقیقت خواه و بی تعصب فرهنگ دوست خود بیش از هر ملت دیگر در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. نزدیک ۱۴ قرن، ما با اسلام به سر برده ایم و این دین در متن زندگی ما وارد و جزء زندگی ما بوده است، با آداب این دین مرده های خود را به خاک سپرده ایم، تاریخ ما، ادبیات ما، سیاست ما، قضاوت و دادگستری ما، فرهنگ و تمدن ما، شئون اجتماعی و بالاخره همه چیز ما با این دین توأم بوده است و خواهد بود. ملت‌های بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین در آمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با همکاری با هم تمدنی عظیم و با شکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند. می دانیم که سهم خدمات ما، ایرانیان به اسلام از تمام مسلمانان بیشتر است. ما ایرانیان بودیم که باعث نشر اسلام در سرزمینهای

است برای مردم با ایمان. به عنوان نمونه دیگر «افلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبتة الذین من قبلهم کانوا اکثر منهم و اشد قوۀ و آثاراً فی الارض فما اغنی عنهم ما کانوا یکسبون» «آیا مردم در زمین به سیر و سفر نمی‌روند تا عاقبت حال پیشینیان خویش را که آنان بسیار بیشتر و قوی‌تر و موثرتر در سرزمین بوده‌اند، مشاهده کنند؟ و آنچه اندوخته‌اند آنها را (از مرگ و هلاک) حفظ و حمایت می‌کرد» قرآن جامعه را به دو قطب مادی و معنوی تقسیم کرده، قرآن کافران، مشرکان، منافقان، فاسقان، مفسدان، مستکبران و ستمگران را از مومنان و موحدان و صالحان جدا کرده است. قرآن در درسهای تاریخی خود نه تنها از پیامبران به نیکی یاد کرده است بلکه مومنان و انسانهای نیک سرشستی را ارایه می‌دهد که از متن طبقه پولدار و مرفه هستند؛ مانند مومن آل فرعون در سوره مومنون، و یا زن فرعون که شریک زندگی فرعون بود ولی از بهترین زنان بهشتی به حساب می‌آید. برای نمونه دیگر می‌توان به داستان ذوالقرنین (کوروش بزرگ) در آیه های ۸۱ تا ۹۷ سوره کهف اشاره نمود، که بیشتر جاهای خود را برای دادگری به سیطره خود در آورده بود. و در جای دیگر افرادی را به عنوان اسوه یاد می‌کند توجه به شخصیت دنیایی آنها ندارد، شخصیت اخلاقی و انسانی را در نظر می‌گیرد آنچنانکه به لقمان لقب حکیم می‌دهد و یک سوره هم به نامش می‌شود. در جاهای بسیاری هم انسانهای بدسرشت را مورد نکوهش قرار می‌دهد تا کسانی که مطالعه می‌کنند باعث سرمشق گرفتن از آنها شوند و یا قرآن صحنه های مختلفی را به یاد می‌آورد که در آن صحنه ها گروههایی از مستضعفان را محکوم و داخل در گروه کافران و مشمول عذاب الهی معرفی می‌کند. (سوره نساء آیه ۹۷، سوره ابراهیم آیه ۲۱، سوره سبا آیه ۳۱ تا ۳۷، سوره غافر آیه ۴۷ تا ۵۰)

در احادیث هم این مطالب به وضوح دیده می‌شود که از تاریخ به عنوان عبرت استفاده کنند. به طور یک نمونه از پیامبر که از حاتم طایی بخاطر بذل و بخشش و مهمان نواز بودن (در عین اینکه مسلمان نبوده) به نیکی یاد کردند تا خط مشی مسلمان شود. حضرت علی می‌فرماید:

«خلف لکم عبر من آثار الماضی عن قبلكم، لتعبروا ابها» «گذرگاهی از آثار گذشتگان برای شما باقی مانده است تا از دیدار آنها عبرت گیرید» (نهج البلاغه). و در جای دیگر علی (علیه السلام) در آن سخن تاریخی که در لایلای وصایا به فرزند برومندش کرده چنین می‌فرماید: فرزندم من هر چند عمر پیشینیان را یکجا نداشته‌ام، ولی در اعمال آنها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم، و در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آنچنان که گوئی همچون یکی از آنها شدم بلکه گوئی من به خاطر آنچه از تجربیات تاریخ آنان دریافته‌ام با اولین و آخرین آنها عمر کرده‌ام. امیرمومنان در خطبه ۱۸۳ می‌فرماید، شما در راهی روشن گام برمی‌دارید و سخنانی را که مردمانی پیش از شما می‌گفتند بازگو می‌کنید. و یاد خطبه ۱۵۷ می‌فرماید: روزگار بر باقیماندهگان آن سان می‌گذرد که بر گذشتگان گذشت و آخرین روزگار همچون نخستین روزگار است، اعمال و رفتارشان مانند یکدیگر و نشانه هایش روشن و آشکارند و در بیان می‌بینیم رویدادهایی که در این امت واقع می‌شود از برخی جهات، شبیه رویدادهای امتهای پیشین است. در واقع منظور بالا اینست که مردمی که تاریخ گذشتگان خود را ندانند آن تاریخ را دوباره تکرار خواهند کرد.

می‌کند. تاریخ تربیت‌کننده انسانهای امروز و انسانهای امروز سازنده تاریخ فردا. خلاصه تاریخ یکی از اسباب هدایت الهی است. داستانهای پیشینیان مجموعه‌ای است از پرارزشترین تجربیات آنها، و می‌دانیم که محصول زندگی چیزی جز تجربه نیست. تاریخ آئینه‌ای است که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می‌سازد، زشتیها، زیباییها، کامیابیها، ناکامیها، پیروزیها و شکستها و عوامل هر یک از این امور را. به همین دلیل مطالعه تاریخ گذشتگان، عمر انسان را - درست به اندازه عمر آنها - طولانی می‌کند، چرا که مجموعه تجربیات دوران عمر آنها را در اختیار انسان می‌گذارد.

تاریخ و آثار پیشینیان مهمترین آینه عبرت است و انسان می‌تواند سرنوشت آینده خویش را، در این آینه بزرگ و تمام نما ببیند. عوامل پیروزی، اسباب شکست، سرچشمه خوشبختی و بدبختی، و دلایل کامیابی و ناکامی را در آن مشاهده کند. در دین اسلام، اهمیت آثار گذشتگان مورد تاکید قرار گرفته و ابزاری برای عبرت آیندگان تلقی می‌شود. در مباحث تاریخی می‌توانیم یک خط مشی از قرآن کتاب معجزه پیامبر اکرم(ص) بگیریم. تاریخی که همچون آئینه صاف باشد، نه کژ نما، تاریخی که تنها به ذکر وقایع نپردازد، به سراغ ریشه‌ها و نتیجه‌ها نیز برود. با این حال در قرآن که یک کتاب عالی تربیت است در فصول و فرازهای خود از تاریخ استفاده کرده و از داستانهای پیشینیان، مثال و شاهد آورده است. از این گذشته تاریخ و داستان جاذبه مخصوصی دارد، و انسان در تمام ادوار عمر خود از سن کودکی تا پیری تحت تاثیر این جاذبه فوق العاده است. در قرآن این کتاب انسان ساز که در آن راه سعادت دنیا و آخرت به وضوح دیده می‌شود قصص (داستانهای تاریخی) رقم قابل ملاحظه و چشمگیری را تشکیل می‌دهد. این قصه ها عبارتند از یک سلسله داستانهای تاریخی آموزنده و عبرت آمیز که می‌توانند بعنوان فلسفه ی تاریخ مورد استفاده همگان قرار گیرند. البته قرآن کتاب تاریخی نیست ولی در آن این داستانهای عبرت انگیز وجود دارد. بخش مهمی از آیات قرآن، مربوط به سرگذشت گذشتگان و شرح حال پیامبران عالیقدر، انسانهای نیکو سرشت، امتهای و ملت‌های پیشین است، ولی هدف از نقل داستانهای پیشینیان، سرگرمی و داستانسرایی نیست بلکه قرآن کریم در تشریح این امور، یک هدف را تعیین می‌کند و آن، هدایت و راهنمای مردم و تربیت جوامع بشری و عبرت گرفتن آیندگان از سرنوشت گذشتگان است. به این ترتیب، قرآن کریم در آیات متعددی تصریح فرموده و یادآوری می‌کند ما داستانهای ملت‌های گذشته را بازگو می‌کنیم تا مردم بیندیشند و خرد خود را به کار اندازند و از ماجراهایی که بر گذشتگان رفته، پند بگیرند. در سوره اعراف، پس از بیان قسمتی از سرگذشت بنی اسرائیل در آیه ی ۱۷۷ می‌فرماید: اینست مثل مردمیکه آیات ما را تکذیب کردند، پس تو ای پیامبر گرامی، داستانهای آنها برای امتت بازگو کن، شاید بیندیشند و اندیشه ی خود را بکار گیرند. در سوره ی یوسف، پس از نقل داستان آموزنده ی یوسف در آیه ی ۱۱۱ می‌فرماید: همانا در داستان یوسف و برادرانش، عبرتی است برای خردمندان، اینها سرگذشت‌های دروغین و ساختگی نیست، بلکه تصدیق ماجراهایی است که در دیگر کتابهای آسمانی موجود است و بیان اموری است که مردم در راه رسیدن سعادت و رستگاری، به آنها نیازمند و محتاجند و رحمتی



علت دیگری که قرآن از تاریخ یاد کرده، اینست که، بدون تردید، طبع انسان، به شنیدن و خواندن سرگذشتها و داستانها رغبت و میل فراوان دارد و قرآن کریم، نخستین کتابی است که نقل داستانها و سرگذشت های واقعی پیشینیان را در راه تربیت و ارشاد مردم، به کار گرفته و از این میل و رغبت طبیعی، در راه هدایت آنها بهره برداری کرده است. پس از این بینش می توان استفاده مفید کرد و تاریخ را مورد بررسی و پژوهش قرار داد تا عبرت ما و دیگران باشد و از آنها برای بهتر زیستن استفاده کنیم. ولی این نیاز دارد که تاریخ نگار هم منابع گذشته را بخواند و هم به دیدن یادمانهای گذشته بپردازد زیرا مواد بررسی تاریخ نگار در گذشته وجود داشته و زمان وقوع آن در گذشته است و اکنون وجود ندارد، تنها اطلاعاتی از آن ها و پرونده ای از آنها در اختیار تاریخ نگار است. تاریخ نگار خود مانند قاضی دادگستری است که براساس قرائن و شواهد موجود در پرونده قضاوت می کند نه براساس شهود عینی. تاریخ نگار تحلیلهای خود را در آزمایشگاه خرد با ابزار استدلال و قیاس انجام می دهد هر چند موضوع و مورد بررسی تاریخ علمی حوادث و وقایعی است که به گذشته تعلق دارد، قابل تعمیم به حال و آینده است. این جهت تاریخ را بسیار سودمند می گرداند و آن را به صورت یکی از منابع شناخت انسانی در می آورد و او را بر آینده اش مسلط می نماید. اگر ما این ابزار را بگیریم دیگر تاریخ نگار نمی تواند در این زمینه پژوهش کند و در اختیار دیگران برای عبرت قرار دهد. پس شایسته است که از یادمانها و آثار و میراث فرهنگی خود به نحو احسن نگهداری کنیم و نگذاریم این آثار ارزشمند از بین برود و یا باعث از بین رفتن این آثار با ساخت سد و جاده و غیره شویم چون این یادمانها نه تنها متعلق به ما است بلکه متعلق به تمام انسانها و حتا نسلهای آینده است و برای آنها نمی شود قیمت و ارزشی تعیین کرد. اگر ما امروز از تاریخ صحبت می کنیم برای آن نیست که خودمان را فریب بزنیم یا به دیگران فخر بفروشیم. ما تاریخ را یاد می گیریم که از تجربیات گذشته بهره بگیریم، به آن نیاز داریم تا در مقابل کسانی که قصد تخریب و تحقیر ما را دارند ایستادگی کنیم. و غیر از تجربه و عبرت باعث هویت ما و نسل های بعدی می شود. دیگر تلاش و کوشش در تمام جنبه ها معنی پیدا می کند. دیگر می توانیم بگوییم که ما هستیم و می توانیم در این دهکده جهانی مفید و ارزشمند باشیم. تاریخی که ما همیشه فقط از خودمان دفاع کردیم و در اوج و قدرت نیز از مستضعفان جهان حمایت کردیم. بیایید دست اندر دست هم خودمان را با نگهداشت یادمانهای فرهنگیمان بهتر بشناسیم.

منابع:

- ۱- خدمات متقابل اسلام و ایران؛ استاد مرتضی مطری
- ۲- قصه های قرآن؛ سید محمد صفحی

سد سیوند ، اعتراضی احساسی یا اعتراضی کارشناسی کاوش ساعی

حال به بررسی مشخصات عمومی هر کدام از آنها می پردازیم:

سدهای خاکی:

مصالح سدهای خاکی را معمولاً از همان منطقه احداث سد و یا نواحی نزدیک به سد تأمین می کنند ، و اصولاً دارای هسته رسی می باشند . رس بر اثر تماس با آب مانند عایق رطوبتی عمل می کند و مانع نفوذ و انتقال آب و رطوبت می گردد . اگر عمده مصالح تشکیل دهنده سد خاکی یکسان باشند ، سد را همگن می گویند و در غیر اینصورت سد را ناهمگن می نامند. اگر کل سد خاکی از رس باشد سد خاکی همگن است ، اما اگر هسته مرکزی سد رس باشد و دور هسته مرکزی را با سنگهای دانه درشت پر کرده باشند ، سد غیر همگن محسوب می شود. از نظر تحلیل و آنالیز این نوع سدها بسیار حساس می باشند و در عین حال از نظر اجرا و پیاده سازی ساده تر از سایر سدها می باشند. اجرای این سد در رودخانه های عریض ساده تر می باشد. مصالح این سد اعم از ریز دانه و درشت دانه بایستی در دسترس باشد. این سدها برای زمینهایی که از دید مهندسی مقاومت نامناسبی دارند مناسب ترین نوع سد می باشند.



سدهای سنگریز:

اینگونه سدها اغلب از نوع سدهای بلند می باشند. این سدها خودبخود غیر همگن و حتماً یک بافت آب بند در مرکز آن می بایست قرار گرفته باشد. شکل این سدها مانند سد ناهمگن خاکی با هسته رسی می باشد با این تفاوت که در مرکز سد به جای رس از سنگ ریزه نفوذ ناپذیر استفاده می شود و در دور تا دور سد سنگریزه های دشت تر می ریزند. در برخی موارد رویه سد را به جای سنگریزه با بتن می پوشانند که در آنصورت دیگر نیازی به هسته آب بند نمی باشد. از نکات فنی و مثبت این نوع سدها مقاومت مناسب آنها در برابر زلزله می باشد که استفاده از این سد را در مناطق زلزله خیز افزایش داده است . سنگهای ریخته شده برای سد بایستی خاصیتهایی از قبیل جذب کم آب ، ساییش کم ، مقاومت فشاری بالا و در برابر سرد و گرم شدن مقاومت خوبی داشته باشند.

سدهای بتنی وزنی:

این سدها عمدتاً کوتاه هستند و ارتفاع آنها بین ۱۵ تا ۲۰ متر می باشد و به دلیل وزن زیادی که با بتن برای آن بوجود می آورند بر اثر فشار آب حرکت نمی کنند و از جای خود تکان نمی خورد. در این نوع سد سرریز شدن آب مشکلی ایجاد نمی کند . این نوع سد را در دره های عریض می سازند و این نوع سد در برابر تغییر درجه حرارت نیز هیچگونه حساسیتی ندارد.

سدهای بتنی قوسی:

این سدها معمولاً در دره های باریک با شیب زیاد و از جنس

سد سیوند و موارد حاشیه ای آن یکی از بحث های داغی است که در این چند وقت در کشور ما صورت گرفته و تب آن هنوز ادامه دارد. از آنجا که این سد در نزدیکی آثاری کهن و بسیار با ارزش (از نظر هویت ملی ایران هر چند تمامی میراث کهن ما با ارزش است) در حال ساخت می باشد، که این امر احساسات بسیاری از ایرانیان را برانگیخته است، بر آن شدم نه از روی احساس بلکه با دیدی واقع گرایانه و به دور از جنجالها و احساس های ملی با آن برخورد کنم.

ایرانیان بسیاری ، با هر نوع سلیقه و گرایش در مورد آن نظر خود را داده اند و حتا برخی از آنها آنگونه که دوست داشتند آنرا مطرح ساخته اند. من قصد ندارم مانند آن عزیزان (فرض را بر این می گذاریم که همه این عزیزان نگران ایران هستند و جز خیر اندیشی برای ایران نیت دیگری ندارند) بدون بررسی دقیق و کارشناسی ، وزارتخانه خاصی یا مجری طرح و یا حتی کل مجموعه را زیر سؤال ببرم ، بلکه می خواهم با آگاهی کامل (که امیدوارم توسط خود وزارتخانه ها و نهادهای مجری کار و مدافعان حقوق میراث فرهنگی ایران به دور از هر گونه پنهان سازی و به گردن یکدیگر انداختن خطا ها مطرح شود) از روند ساخت سد و سودها و زیانهای آن آگاه شوم و سایر دوستداران و دلسوزان ایران را آگاه سازم تا به کمک دیگر دوستان بتوانیم تصمیمی درست و به دور از هر گونه هیجان و احساسات بگیریم و راهنمایی باشیم برای دوستداران ایران که شاید اطلاعات در این زمینه را از مجراهای دیگر می شنوند و ممکن است این مجراها اطلاعات را با دید خود ارزیابی کنند و در لابه لای آن اهداف خود را نیز به دوستدارانی که از سر نگرانی و دلواپسی به این موضوع علاقه نشان داده اند بقبولانند ، پس چه بهتر آگاهی بطور شفاف و درست صورت گیرد.

در آغاز می بایست به سراغ انواع سدها برویم و اطلاعات خود را نسبت به آنها کامل سازیم.

انواع سد و مشخصات آنها:

سدها در گذشته های دور بر دو نوع بودند، سدهای بلند که معمولاً ارتفاع آنها بیش از ۱۵ متر بوده و سدهای کوتاه که ارتفاع آنها زیر ۱۵ متر می باشد. اما در حال حاضر سدی را کوتاه خطاب می کنند که ارتفاع آن زیر ۳۰ متر باشد. نوع دیگری از دسته بندی سدها در حال حاضر بر اساس مصالح بکار رفته در آنها می باشد و در دنیا کنونی بطور معمول سه نوع سد را بطور عموم می شناسند که این سه نوع سد با توجه به جغرافیای مکانی احداث سد و نوع کاربری آن و نوع اقلیم و میزان آبیگری آن انتخاب می شود. این سه نوع عبارتند از:

- ۱- سدهای خاکی:
- خاکی
- سنگریز

۲- سدهای بتنی:

- وزنی
- قوسی
- پشت بند دار

۳- سدهای لاستیکی

۹- گروه مدیریت و هماهنگی. گروههای فنی ذکر شده در کنار یکدیگر پس از تصمیم برای اجرای یک سد گرد می آیند تا یک پروژه به نتیجه برسد. پس از انجام مقدمات مطالعاتی بر روی سد، نوع سد بر اساس منطقه جغرافیایی و مصالح در دسترس سد مورد ارزیابی قرار می گیرد. برای مثال در منطقه ای سنگی با تنگه ای باریک و تنگ ساختن سد خاکی اشتباه است زیرا تماس این دو ماده (بدنه سد و سنگی بودن منطقه) مانند چسباندن دوماده که یکی صلب و دیگری غیر صلب است می باشد و بر اثر تکان (زلزله) این دو در نقطه اتصال جدا می شوند که این خطر ناک است.

در انتهای این بخش نکته ای که باید به آن اشاره کنیم دریچه هایی است که بر روی سدها تعبیه می نمایند و این دریچه ها به نوع سد، ارتفاع آن و منطقه ای که سد در آن احداث می گردد، مربوط می شود. سدها یا دو دریچه ای هستند یا سه دریچه ای.

دریچه زیرین: که در بالاترین قسمت تاج سد ساخته می شود و در سدهایی که سرریز شدن از روی آنها مهم و خطرناک است در مواقع پر باران و پر آب باز می شوند.

دریچه میانی: که اغلب مواقع در نیروگاههایی که برای تأمین آب کشاورزی و برق احداث شده اند کار برد دارد و برای رفع کمبود آب و برق و کنترل آب سد استفاده می شود.

دریچه زیرین: این دریچه که در پایین سد تعبیه می شود و اغلب در کشور ما به دلیل آبرفتی بودن مناطق از این دریچه استفاده می گردد جهت خارج نمودن رسوب از پشت سد به کار می رود و با فشار خود آب از طریق این دریچه رسوب را به پشت سد هدایت می کنند و بدین سان به عمر مفید سد می آفرینند. شایان ذکر است که بدلیل رسوب فراوان این دریچه زودتر از همه از کارآیی می افتد.

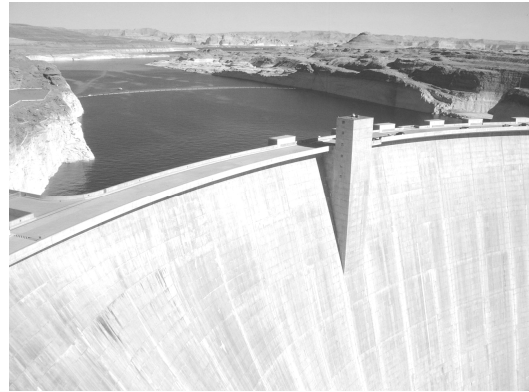
روند مطالعاتی برای احداث یک سد:

در برنامه مطالعاتی برای ایجاد یک سد در یک منطقه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد. در ابتدای امر مکان یابی و امکان سنجی می باشد، در این مرحله کارشناسان در منطقه ای که عکس هوایی از آن تهیه شده توسط اتومبیل به راه افتاده و از میان تنگه های گوناگون در یک رشته کوه، بر اساس نوع خاک منطقه و میزان حوزه آبریزی، دو یا سه منطقه را بر می گزینند. حال از میان مناطق انتخاب شده کارشناسی انجام می گیرد که در کدام منطقه میزان بهره وری از سد بالا تر است و در عین حال عمر مفید سد بیشتر می گردد و هزینه های احداث کاهش می یابد.

سپس سایر گروهها طرح های مطالعاتی خود را در زمینه های مختلف برای محل های برگزیده شده ارائه می دهند و در نهایت یکی از مکان ها که از نظر تمامی کارشناسان مطلوب تر ارزیابی می شود مورد تأیید قرار می گیرد و طرح برای فاز اجرایی و تصویب بودجه به سازمان مربوطه ارائه می گردد.

سپس سازمانی که قصد ساخت سد را دارد و پروژه را در نوبت اعطای بودجه قرار می دهد، در این فاصله سایر نهادها و سازمانهایی که در احداث این سد دارای منفعت هستند را تحت نامه هایی رسمی آگاه می سازند، بعنوان مثال وزارت نیرو برای احداث سدی که برای رفع کمبود آب کشاورزی در منطقه ای احداث می نماید وزارت جهاد کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی و میراث فرهنگی را در جریان کار قرار می دهد تا آنها نیز نظرهای کارشناسی

سنگ اجرا می گردد و می تواند دو قوسی نیز باشند و در راستای عمودی و افقی دره دو قوس داشته باشند. حسن این سدها این است که اگر به هر علتی در بدنه آنها ترک ایجاد شود خود نیروی فشار اعمالی از جانب آب پشت سد باعث هم آمدن این ترکها (ترکهای حرارتی) می شود.



سدهای لاستیکی:

این سدهای اغلب بر روی رودخانه های فصلی زده می شود و جنس این سدها از لاستیک می باشد که هنگام استفاده از سد (مانند تیوپ ماشین) آنرا باد می کنند و این عمل باد کردن حجم سد را بالا می برد و سد مانع عبور آب می گردد. از این نوع سد که کوتاه نیز می باشد در شمال کشور خودمان نیز وجود دارد.

حال که با انواع سدها بطور مختصر آشنا شدیم می بایست کاربرد این سدها را نیز بدانیم و دلایل استفاده از آنها را نیز به دقت مد نظر بگیریم

اصول فنی ساخت سد:

از نظر فنی برای ساختن یک سد می بایست مراحلی سپری شود تا ساختن یک سد آغاز گردد، هر کدام از این مراحل را یک فاز می نامند به شرح ذیل:

- فاز صفر: آیا ساختن این سد از نظر اقتصادی و مورد کاربری توجیه دارد یا خیر؟
- فاز یک: انواع سدهایی که با توجه به شرایط جغرافیایی و اقتصادی پیشنهاد می شود بطور ریز می بایست مورد بررسی قرار گیرد و میزان ذخیره آب و هزینه ریالی آن مورد بررسی قرار گیرد.
- فاز دو: هندسه و تحلیل سد و ریختن نقشه اجرای سد.
- فاز سه: اجرای سد.

در مورد گروههای فنی که برای ساختن یک سد مورد نیاز است به گروههای زیر می توان اشاره کرد:

- ۱- گروه هیدرولیک.
- ۲- گروه هیدرولوژی.
- ۳- گروه زیست محیطی.
- ۴- گروه آبهای زیر زمینی.
- ۵- گروه نقشه برداری.
- ۶- گروه شهر سازی.
- ۷- گروه کشاورزی.
- ۸- گروه زمین شناسی.

میراث فرهنگی در اینباره ذکر می کند منطقی می باشد. می دایم که در گذشته های دور ساختن جاده و راه کاری بسیار دشوار بوده است. از آنجا که راه شاهی در این منطقه ساخته شده است، خود این موضوع به اهمیت این منطقه افزوده است و بیانگر این موضوع می باشد که بی شک در دوران باستان این منطقه بسیار مهم بوده است و یا افراد مهمی در آن زیست می کرده اند.

همچنین عنوان می سازند که اطلاعات ما در مورد دوره هخامنشیان تنها درباره نحوه اداره سرزمین پهناور ایران و امپراتوری آن دوره است و از نحوه زندگی مردم عادی اطلاعات کافی در دسترس نیست، اما در این منطقه که بر اساس حدس ها و گمانه زنی های باستانشناسی، تمدنی از دوران هخامنشی در آن وجود دارد می توان زاویه ای از زندگی مردم عادی در آن دوران را با مطالعه و کاوش در این منطقه روشن ساخت.

علاوه بر آثار باستانی دوران هخامنشی، آثاری از سایر دورانها و همچنین دوران قدیمی تر از تمدن هخامنشی در این منطقه کشف شده که اهمیت آنها دو چندان کرده است.



حال با احداث سد سیوند منطقه وسیعی از این تنگه به زیر آب می رود و با خود نشانه ها و زوایای زیادی از زندگی اجدادمان را به زیر آب می برد، هر چند زمانی حدوداً (نزدیک به ۲ سال) طول می کشد که سد با بالاترین ظرفیت خود آبیگری شود و تمام آن منطقه را زیر آب برد ولی هم اکنون خطرناک ترین موقعیت را خود تنگه بلاغی دارد.

یکی از اشتباه های بسیار بزرگی که عده ای بر آن دامن زدند، مطرح ساختن این موضوع بوده است که با آبیگری سد سیوند، آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد زیر آب می رود که این امری است اشتباه و با عنوان ساختن آن تنها می توان جهت گیری های نادرست و احساسی را برای دوره کوتاهی برانگیخت و ما را از اصل موضوع دور کرد و با تکذیب این امر و درست بودن تکذیب از طرف مجریان طرح، بسیاری از اعتراضها در نطفه خاموش می شود، زیرا نسبت به موضوعی اشتباه اعتراض شده و کسانی که مورد اعتراض واقع شده اند پاسخی درست برای آن دارند. درحالیکه در بالاترین ظرفیت آبیگری سد، آب سد با آرامگاه کوروش بزرگ ۹ کیلومتر فاصله دارد و تنها می توان این موضوع را مطرح ساخت که پاسارگاد در حوزه آبریزی این سد قرار دارد و این بدان معناست که اگر در پاسارگاد باران بیاید، آب آن منطقه به سمت این سد حرکت می کند و جزو ذخیره آب این سد می شود.

آیا ساختن سد لازم است؟

خود را اعلام نمایند تا در احداث سد مد نظر قرار گیرد. روند فوق برای احداث يك سد نگاهی سریع به اجرای قانونمد يك سد می باشد. حال پس از ذکر نکات بالا به بررسی سد سیوند می پردازیم و شاید با دیدی روشنتر و واقع بینانه تر آنرا ارزیابی نماییم.

سد سیوند :

سد سیوند در ۹۵ کیلومتری شمال شیراز، ۵۰ کیلومتری تخت جمشید و در حدود ۱۷ کیلومتری پاسارگاد، بر روی رودخانه پلوار و درون منطقه ای که به تنگه بلاغی معروف است، ساخته شده است.

تنگه ها معمولاً در جایی قرار می گیرند که دو رشته کوه ابتدا به هم نزدیک و سپس از هم دور می شوند. از این دور و نزدیک شدن شکلی شبیه به ساعت شنی به وجود می آید؛ در بخش های بالا و پایین تنگه مانند حباب های ساعت شنی دو دره وسیع قرار می گیرند که "دشت" خوانده می شوند و کمرگاه ساعت شنی همان مکانی است که "تنگه" نام دارد. تنگه بلاغی در دل رشته کوه های زاگرس در استان فارس هم، چنین وضعیتی دارد؛ در شمال آن دشت مرغاب جای دارد که دربرگیرنده ویرانه هایی از شهر پاسارگاد، نخستین پایتخت هخامنشیان است و در سوی جنوب، دشت مرو دشت قرار دارد که به تخت جمشید، باشکوه ترین یادگار باستانی ایران و از برجسته ترین بناهای کهن جهان می انجامد. از این مجموعه ها آرامگاه کوروش بزرگ، نزدیک ترین اثر به تنگه بلاغی است.

فاصله دهانه سد سیوند تا آثار و سازه های اصلی دشت مرغاب (پاسارگاد) نزدیک به ۱۷ کیلومتر و بنا به نظر کارشناسان دولتی، خط پایان آبیگری دریاچه پشت آن - که رو به دشت مرغاب دارد - نزدیک به ۷ یا ۹ کیلومتر است در حالی که بنا به نظر پاره ای دیگر از کارشناسان در صورتی که سد با کل ظرفیت آبیگری شود دریاچه ای که پشت آن به وجود می آید در نزدیکی ۲ کیلومتری آرامگاه کوروش می ایستد.

سد سیوند از نوع خاکی - با هسته رسی - است و با توجه به فرازی هایی که در آن قرار است ساخته شود عمر مفیدی نزدیک به ۵۰ سال برای آن عنوان شده است (فراز پی ها سدهای کوچکی هستند با دهانه ورودی بزرگ و خروجی کوچک مانند قیف که در مسیر سیلابهای ورودی به سد ساخته می شوند تا از وارد شدن نیروی ناگهانی به بدنه سد بکاهد).

سد سیوند در مسیر سیلاب هاست و در نتیجه رسوب در آن بسیار بالا خواهد بود و ممکن است عمر مفید آن بسیار کمتر از آنچه اعلام شده باشد.

سد دارای سه دریچه زیرین، میانی و زیرین است که در ایران به علت عدم توانایی در رسوب گیری به سرعت دریچه زیرین از سوددهی می افتد و بیشتر از دو دریچه دیگر برای هدایت آب سد استفاده می شود.

حال که تا حدودی با مشخصات سد سیوند آشنا شدیم بپردازیم به این موضوع که چرا این سد آنقدر در کشور ما جنجال به پا کرده است و از همه مهمتر چرا مسئولین رده بالا در این امر هیچ پاسخی نمی دهند و سکوت می کنند

اهمیت تنگه بلاغی:

تنگه بلاغی مکانی است باستانی و مهم، دلایلی را که

که فاز اجرایی سد طول کشیده است میراث فرهنگی به یاد می آورد چنین آثاری نیز در این منطقه ممکن است وجود داشته باشد، که مطمئن باید بود که هیچ ترتیب اثری به اعتراض آنها داده نمی شود زیرا سدی که قرار است ظرف ۱ سال یا در برخی مواقع چند ماه آینده افتتاح گردد را بخاطر اعتراض سازمان میراث فرهنگی به تعویق نمی اندازند و گویا سازمان میراث فرهنگی خود نیز از این موضوع آگاه است و برای خالی نبودن جایگاهش در صحنه های فکری ایرانیان و تعریفی که از این سازمان شده است به عمل اعتراض آن هم در دقیقه ۹۰ می پردازد. اما ادعا می کند هیچ کمکی به او در این زمینه نمی شود و بوجه اختصاصی بدین امور توسط دولت به این سازمان بسیار ناچیز است، حال جای سؤال از دولت مردمی و پاسخگو است که چرا بوجه این نهاد در این زمینه ها کم است؟

از طرفی آیا نمی شد با ریختن طرحی جامع و درست از جنبه های گردشگری که به قول کارشناسان جهانی تا چند سال آینده صنعت سوم جهان می شود از این منطقه برای اهالی در آمد زایی کرد و آیا در آمد آن چند صد برابر در آمد ناشی از احداث یک سد نیست؟

به یاد داشته باشیم کشوری همانند فرانسه که به کهنی و قدمت ما نمی باشند تنها با نمایش آثار برداشته شده از سایر کشورهای کهن توانسته است سالانه ۶۹ میلیون دلار در آمد زایی نماید، چگو نه کشور ما با داشتن اصل این آثار چنین توانایی وجود ندارد، جای پرسش دارد و از آن جالبتر آنکه، چون در زمینه در آمد زایی از طریق جذب گردشگر اندیشه ای نشده بایستی حکم به تخریب سایر آثار داد و با عنوان کردن مصالحی که بی شک در این چند وقت بر همگان اثبات شده که اندیشه ای درست در پشت آن نبوده کمر همت به تخریب سایر آثار بست و اگر اشتباهی هم صورت پذیرفت بی شک دولتهای ما تا کنون یاد نگرفته اند که لا اقل از ملت خود پوزش بخواهند.

حال تنها خواسته ما پاسخ به همین چند پرسش است که امید داریم با مساعدت دولت، این پاسخها نیز روشن شود، زیرا هیچ امری بهتر از رو راستی و پاسخ صحیح دادن آن هم به مردمی با پیشینه ایرانیان که در همه زمینه ها از جان خود مایه گذاشته اند نمی باشد.



شاید پاسخ به این سؤال برای برخی ناخوشایند باشد، اما واقعیت می گوید، کشور ما ایران سرزمینی خشک است و کنترل و مهار آب ها از قدیم در ایران باستان نیز رواج داشته است (مانند سد کریت بلندترین سد کهن در طبرستان). امروزه کشور ما در میان کشورهای سد ساز کشوری پیشرو است و بسیاری از سازه های سدی توسط نیروهای داخلی ساخته می شود. در منطقه فارس و چهار محال و بختیاری کشور ما تقریباً ۱۰ درصد بارندگی نسبت به کل کشور را دارد اما تنها ۲ درصد از آبهای سطحی و رودخانه ای آن مهار شده است و سد ساختن در این منطقه کاملاً توجیه پذیر است، اما این موضوع جای سؤال دارد که آیا تمام جوانب کار و حفظ میراث کهن ما مورد ارزیابی قرار گرفته و بعد این سد احداث گردیده یا خیر؟

باید ببینیم که رطوبت به دنبال خود آبادانی را دارد و به دنبال آن مصرف کننده این آبادانی و تجمع انسانها را، اما این رطوبت خود دشمن بسیار مهلکی برای آثار باستانی می باشد و تخریب کننده آن است، آیا کارشناسان منابع طبیعی و اقلیم شناسی با آگاهی از این موضوع نظر به ساخت این سد داده اند؟

برخی مطرح می سازند که با درختکاری در جهت مخالف این آثار می توان رطوبت را کاهش داد و رطوبت ناشی از این سد را به جهتی مخالف، آثار دشت پاسارگاد سوق داد، اما این سخن شاید در ابتدا که درختان بصورت نهال باشند صحیح باشد، اما به مرور زمان خود درخت باعث تجمع رطوبت می شود و این موضوع برای آن منطقه خطرناک است.

گروهی دیگر نیز در اظهار نظرهایشان مطرح ساخته اند این سد رطوبت و میزان بارندگی را افزایش می دهد و به بناهای منطقه آسیب می رساند، سخن این عزیزان راجع به رطوبت در منطقه درست می باشد اما در یک دوره زمانی حدود ۵ تا ۶ سال رطوبت در منطقه افزایشی نسبی می یابد، و خود این مسئله قابل تأمل است و بایستی دید کارشناسان در این مورد چه پاسخی دارند.

در مورد افزایش بارندگی به این نکته می توان اکتفا کرد که برای ریزش باران نیاز به حدی داریم به نام حد بارندگی. هنگامیکه رطوبت در منطقه ای به سمت بالا حرکت می کند، هر گاه به این حد برسد شروع به ریزش می کند و خوشبختانه ارتفاع منطقه پاسارگاد برای بالا رفتن رطوبت و رسیدن آن به حد ریزش کم است و اگر بخواهد بارندگی هم رخ دهد حدود چندین کیلومتر دورتر این حادثه رخ می دهد که آنگاه آسیبی به پاسارگاد نخواهد رسید.

اما با تمام توضیحات داده شد، آیا واقعاً لازم بوده است که در منطقه ای بدین حساسی و بسیار با ارزش سد ساخت؟

آیا برای حفظ و نگهداری آثار احتمالی زیر این سد تدبیری اندیشیده شده است؟

یکی از سازمانهایی که در کشورهای کهن (همانند کشور ما) می بایست در جریان احداث سد قرار گیرد سازمان میراث فرهنگی می باشد که مسئول حفظ و نگهداری آثار باستانی ایران می باشد. از آنجا که از مرحله مطالعاتی تا مرحله اجرای یک سد فرآیندی طولانی پیش رو است، وزارت نیرو مدعی ارسال نامه است، اما در برخی از موارد پیش آمده که سازمان میراث فرهنگی و آثار باستانی ادعا کرده است که به آنها هیچ نامه ای ارسال نشده و آنها از موضوع مطلع نیستند و جالب آنکه درست پس از چند سال

بوستان شاهی

کاوه متین

مقدمه ای بر باغ شاهی

مربع مساحت داشته، لبه های برجسته و پرداخت شده ای به عرض حدود ۱۸ سانتیمتر دارد. این حوضچه ها در تمامی گوشه ها و همچنین در خطوط مستقیم، به فاصله ۱۲ تا ۱۴ متر از یکدیگر قرار دارند. سنگ جویها نیز ۲۵ سانتیمتر عرض و لبه هایی برجسته و صیقلدار، به عرض ۱۶ سانتیمتر دارد. عمق جویها ۱۲/۵ سانتیمتر است، جز در محل اتصال به حوضچه ها، که فرورفتگی به اندازه ۴/۵ سانتیمتر به آن افزوده می شود. دریچه های آبنند کوچک در بعضی از حوضچه ها، در مسیر حرکت آب، کار گذاشته شده است.



حوضچه مربع سنگی یکی از آب نماهای باغ شاهی

حوضچه سنگی در محل بهم رسیدن سه مسیر بیشتر آسیب دیده در دوران هخامنشیان سطح آراسته جویها و حوضچه ها احتمالاً با زمین اطراف تراز شده و تمامی پهنای حاشیه، در جلوی دید بوده است. این قبیل آبنماهای سنگی نمی توانسته اند مانند يك جوب معمولی یا نهر دستکند، زمینهای اطراف خود را سیراب کنند و چون می شد آب را برای آبیاری از هر جای تهیه کرد، کاربرد اصلی آبنماهای سنگی در جنبه تزئینی و نمایشی آن در باغ بوده است. احتمالاً زنبق یا سایر گیاهان آبی در حوضچه ها رشد می کردند، در غیر این صورت نیز عمق بیشتر حوضچه ها نسبت به جویها، به منظور جلوگیری از انباشت لای ولجن در آبنماها بوده است.

ساختار این آبنماها در نهایت سادگی است. قطعات سنگهای اهکی که جویها با آن ساخته شده است، بدون هیچگونه زیرسازی روی زمین کار گذاشته شده، فقط معدودی از حوضچه ها شالوده ای بصورت يك لایه سنگ دارند. هیچ نوع بست یا اتصالی بکار نرفته، در حالی که تمامی ساختار یکپارچه به نظرمی رسد و باید توجه داشت که ترازمندی اولیه از دقت اعجاب آوری برخوردار بوده است. نشانه های برجای مانده از نشانه سنگتراشی بدون توجه به تعمیرات، روشنگران است که بیشتر آبنماها بعد از رواج این ابزار ساخته شده اند. منطقی است اگر تصور کنیم که آبنماهای ۲ و ۹ می تواند بعد از تکمیل کاخ اختصاصی کوروش ساخته شده باشد. به طور همزمان ما باید این آبنماها را با شواهد گاهنگاری کوشکهای A و B مرتبط بدانیم، و با توجه به اینکه هردو ساختار دارای اتاقهای مستطیل شکل هستند نه مربع (با توجه به ابعاد قابل ملاحظه پاسارگاد

کاخهای کوروش با ویژگی جدید در معماری چهارنمایی خود، به عنوان ساختارهایی با چشم انداز باز و گشوده طراحی شده بودند. این بناها دیدگاهی گسترده از تمامی جهات داشته و باغهای بزرگی اطراف آنها را احاطه کرده بود. شواهد موجود نشان می دهد که در حقیقت هر کاخ در شکوه ایوانهای ستوندار پرسیایه و عمیق خود در نگاه نخست در میان انبوه درختان، باغچه ها و چمنزارها دیده می شده است. باقی ماندن بخشهای عمده ای از طرح اصلی باغ را، که به درستی باید، باغ سلطنتی نامیده شود، مدیون بخت و شرایط مناسب هستیم. اگر بعد ها شهری نزدیک پاسارگاد ساخته می شد، یا اگر خود به عنوان مورد استفاده مجدد قرار می گرفت، بدون تردید مصالح سنگی مربوط به آب نماهای طویل و دوکوشک کوچک آن به بغما می رفت. بهرحال با آنچه که بر جای مانده، ما هنوز طرح اصلی یکی از قدیمیترین باغهای شکوهمند دوره هخامنشی را در اختیار داریم.

آبنماهای باغ شاهی

آبنماهای شناخته شده باغ سلطنتی در مجموع بیش از ۱۱۰۰ متر طول دارد. آنها نشان دهنده گرته کم و بیش متقارنی هستند که می باید وضعیت اولیه گذرگاهها، درختان و چمنزارها را مشخص کند. در مرکز طرح دو چهارگوش مشخص و چشمگیر وجود دارد و آن که به کاخ اختصاصی کوروش کبیر نزدیکتر است، $۱۱۲/۵ \times ۷۲/۵$ متروسعیت دارد. آبنمای ۱ که در نقطه ای مقابل کوشک A وارد باغ می شود، بی تردید آبراهی بوده که بقیه را تغذیه کرده و آخرین مخزن تامین آب، چنان فاصله ای از رودخانه پلوار نداشته است. آبنمای ۲ به سوی بخش شمال شرقی باغ روان شده و محدوده گذرگاهی را که $۲۶/۵$ متر پهنا دارد و در زمان خود کاخ اختصاصی کوروش و کوشک A را مرتبط می ساخته است، مشخص می کند. آبنماهای ۳ تا ۷ مرز فضاهای چهارگوشی را معین کرده و آبنماهای ۸ و ۹ و بعد از آن را در جوار کوشک B که اینک آسیب دیده است، تغذیه می کرده اند.

آبنمای ۹ مکمل آبنمای ۲ بوده و از این طریق به تعیین حدود يك فضای باز با ابعاد $۱۶۲ \times ۶۱/۵$ متر در مقابل نمای جنوب شرقی کاخ کاخ اختصاصی کوروش و گذرگاه دیگری، آنهم با پهنای $۲۶/۵$ متر، که راه به سوی کاخ بارعام و کوشک B می برد، کمک می نموده است.

نقشه باغ شاهی خطوط حاشیه گذرگاهها تخمینی است. با توجه به جهت شیب اندک آبنماهای محوطه کاخها، ما باید در نظر بگیریم که هم آبنماهای سنگی نزدیک به اضلاع کوتاه کاخ کاخ اختصاصی کوروش و آبنمای آسیب دیده نزدیک کوشک B به آبراهه های کم جلوه تر آجری و سفالی وصل می شده اند که به سمت جنوب غربی و شمال غربی و احتمالاً در جهت باغهای دیگر، ادامه می یافته است.

هرچاکه این جویها می بایست از زیر گذرگاههای اصلی عبور کنند به احتمال قوی از تنبوشه های سفالین استفاده می شده است. بنماهای سنگی را حوضچه های زیبایی همراهی می کنند که معمولاً از سنگهای یکپارچه ای با بیش از يك متر مربع مساحت تراشیده شده اند. هر حوضچه بیش از ۵۰ سانتیمتر عمق و بیش از ۹۰ سانتیمتر

ساخته شده، که حداقل در نیمه جنوب غربی اتاق در رجهای منظم چیده شده اند. علایم باقی مانده از شانه سنگتراشی در مجموع بر روی هفت سنگ دیده می شود، و اطراف کف فرش شده را باز هم در چند جا، سنگهای باریک فراگرفته است.

نقشه کوشک B

سطح کف نشانگرچندین شکاف ناشی از شخم وهمچنین تعدادی فرورفتگی مدورمربوط به دوره های، در نزدیکی ورودی جنوب غربی است. سنگهای شالوده دوگانه ای که در اضلاع کوتاه اتاق مفروش سربرآورده اند، نشانگر حضور دو آستانه وسیع در گذشته هستند، هر چند خود ورودیها نیز حداقل ۲/۶۰ متر عرض داشته اند. از نشانه های پرداختی که هنوز در طول لبه های کف مفروش و چند نقطه از شالوده ایوانها قابل رویت است، می توانیم استنباط کنیم که دیوارهای خشتی کوشک، ضخامت متغیری از ۱/۵۰ تا ۱/۷۰ متر داشته اند.

با توجه به اینکه هر یک از ایوانهای دوگانه اصلی در واقع ۱۷/۷۵ متر پهنا داشته، به احتمال قوی هر کدام دارای چهارستون به فاصله ۲/۵۵ متر از یکدیگر بوده است. در این شرایط دو ستونی که در هر یک از ایوانهای کوچکتر جنبی برپا بوده، باعث هماهنگی نمای ساختمان می شده است. ضخامت شناخته شده دیوارها و گستردگی تقویت کننده های آجری و سنگی که هنوز در بازوهای ایوان شمال شرقی دیده می شود، این احتمال را بوجود می آورد که کوشک B فضایی به وسعت ۲۱×۲۴ متر را اشغال کرده بوده، در حالی که کوشک A در مجموع ۲۱×۱۹/۷۵ متر بوده است.

کوشک B با قرار گرفتن در مسیر اختصاصی، که شاه بی تردید بین دو کاخ اصلی خویش می پیموده، باید از اهمیت خاصی برخوردار بوده باشد. حتی اگر تکمیل این کوشک چند سال بعد از جلوس داریوش بر تخت سلطنت صورت گرفته باشد، نقشه بسیار جالبی را ارائه می نماید که حداقل تالارهای مستطیل شکل قدیمتر پاسارگاد و اتاقهای مربع تخت جمشید قرار می گیرد.

در مقایسه با تخت جمشید) این احتمال وجود دارد که کاردریغ به طورمتناوب بین سالهای ۵۲۵ تا ۵۰۰ پ.م انجام شده باشد.

در متون باستانی فقط یکبار از وسعت، زیبایی و هوای خنک پاسارگاد صحبت شده، آنهم در جایی که از باغ باشکوه اطراف آرامگاه کوروش سخن به میان آورده است. دل بستگی هخامنشیان به احداث باغ احساسی که ایرانیان در طول تاریخ خود آن را حفظ کرده اند، در منابع دیگری نیز ذکر شده است. کزنفون شرح می دهد که چگونه کوروش صغیر از لیساندر سردار اسپارتی، برای تماشای باغ خود در سارد دعوت به عمل آورده است.

لیساندر در شگفت از درختانی که با زیبایی و به کمال کاشته شده اند، در ردیفهای مستقیم چنانکه همه با زوایای منظم و قایم ترتیب داده شده اند، سرمست از رایحه گلها، به ستایش از باغبان این باغ پرداخت و از زمان کوروش این اعتراف خشنود کننده را شنید که وی خود بانی این باغ بوده و حتی بخشی از درختان آن را کاشته است.

ما در این روایت بازتابی از طرح هندسی باغهای هخامنشی را می بینیم و از شوقی که آنان برای درست کردن باغها و بوستانها، به منظور لذت شخصی داشته اند، آگاه می شویم. هر چند داریوش در تکمیل باغهای پاسارگاد کوشیده است، به یقین کوروش و مشاورین وی بانی اصلی و اولیه این باغها بوده اند. این را فقط از طرح عمومی بناهای پاسارگاد استنباط نمی کنیم، بلکه موقعیت نیمکتها در هر کاخ و وضعیت ثابت تخت سلطنتی در کاخ اختصاص کوروش کبیر، بر این مساله تاکید دارد.

کوشک A و B

چهار گوش باغ سلطنتی با ابعادی در حدود ۳۰ × ۲۵۰ متر، فقط سه راه دسترسی اصلی داشته است: خود کاخ اختصاصی کوروش کبیر، گوشه شرقی کوشک A و کوشک B در گوشه جنوبی باغ. کوشک A امروزه ساختاری عربان بوده و بازسازی ما از آن بر مبنای تخمین است. بقایای کرسی کف فرش شده اتاق مرکزی با محاسبه پهنای تعدادی از سنگهای نازک، که در اطراف لبه کرسی قرار گرفته اند، ۱۰/۴۵ × ۷/۹۰ متر وسعت دارد.

کوشک A بازسازی نسبی نقشه

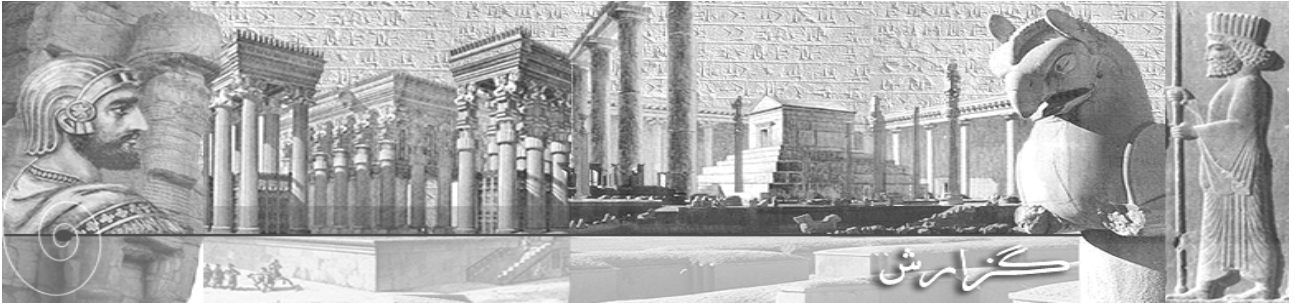
هیچگونه نشانه ای از کاربرد شانه سنگتراشی در هیچ نقطه ای وجود ندارد و چون کوشک A در کنار ورودی سیستم آبیاری قرار گرفته، و همچنین دارای اتاق مستطیل شکل است، نمونه بناهای اولیه باغ محسوب می شود.

کوشک B که در گزارشهای قدیمی (به کوشک باغ موسوم شده، در فاصله ۲۰ متری شمال کاخ بار عام چسبیده به جاده ماشین روی امروزی قرار دارد. بر مبنای بقایای فعلی، بنا شامل یک کرسی برجسته و چهار گوش از سنگهای تراشدار به وسعت ۱۱/۷۰ × ۱۰/۱۵ متر است. این ابعاد شامل شالوده های احتمالی ایوانهای ستودار قرینه یکدیگر، در پهلوهای شمال شرقی و جنوب غربی و دو طرف دیگر می گردد.

کوشک B بازسازی نسبی نقشه

در این بنای کوچک اتاق مفروش مرکزی ۱۱/۶۰ × ۱۰/۱۰ متر وسعت داشته و دو در ورودی وسیع در دیوارهای عرضی مقابل هم دارد. کف با سنگهای کم و بیش مستطیل شکل





از ستاره شناسی تا هخامنشیان

اکبر نعمتی

بعد از دو سال تجربه کار در زمینه طراحی تارنما تصمیم گرفتم برای خود تارنمای شخصی داشته باشم تا تمامی علایقم را در آن به ثمر برسانم. نام دوشارم را برای تارنماخودم در نظر گرفتم نام گمشده ای در زبان پارسی که استاد جنیدی در کلاس های پهلوی به من آموزش داد، به معنی عشق. نمایش چهره ای تازه و واقعی از ایران، ستاره شناسی، آموزش طراحی تارنما و زبان انگلیسی، اهدافم از طراحی تارنمای دوشارم بود. البته انگیزه اولیه طراحی دوشارم پخش زنده عبور سیاره زهره از مقابل خورشید در خرداد ماه سال ۸۲ بود. پس از پخش زنده موفقیت آمیز گذر زهره از مقابل خورشید آن هم در یک تارنمای ایرانی مرا وارد راه تازه ای کرد. تا بعد از تقریباً یک سال تارنمای دوشارم هدف اصلی خود را پیدا کرد، "نمایش چهره و فرهنگ واقعی ایران" بخش ستاره شناسی دوشارم از آن جدا و در قالب تارنمای دیگری (ستاره پارسی) متولد شد. "گمشده های فرهنگ ما بسیارند باید مطالعه کرد تا آنها را دریافت." درسی که استاد جنیدی به من داد، حالا جان تازه ای به دوشارم داده بود و علاقه من به کورش کبیر نیز باعث شد تا تارنمای اختصاصی کورش بزرگ را نیز راه اندازی نمایم.

سفر به یاد ماندنی

روز نجوم در اردیبهشت سال ۸۳، که با شاهرخ رزمجو باستان شناس جوان ایرانی ملاقات کردم. من با شاهرخ از کسوف ۷۹ آشنا شده بودم و در بیشتر گشتهای نجومی با علاقه ای که به علم ستاره شناسی داشت با ما همراه می شد. در روز نجوم شاهرخ از نمایشگاه هخامنشیان در شهرپور ماه همان سال خبر داد که قرار بود موزه بریتانیا برگزار نماید. همین یک جمله شاهرخ کافی بود تا کنجکاوی مرا برای کسب اطلاعات بیشتر و اطلاع رسانی آن در تارنمای دوشارم برانگیخت.

بعد از جستجوهای مختلف دریافتیم که در کنار نمایشگاه، همایشی در زمینه امپراتوری هخامنشیان در لندن برگزار می شود.

شرکت در چنین همایشی فرصت مناسبی بود تا با استاد بزرگ دنیا که در زمینه هخامنشیان تحقیق کرده اند آشنا شوم و همینطور مشاهده استوانه حقوق بشر کورش کبیر نیز شاید یکی از آرزو هایی بود که می توانستم با شرکت در این همایش به آن برسم.

با اینکه زمان دریافت مقالات برای همایش به اتمام رسیده بود، اما من یک ایمیل به مسئول برگزاری همایش ارسال نمودم. آنها نیز لطف کرده و روز به من فرصت دادند تا خلاصه مقاله ام را برای شرکت در همایش ارسال کنم.

مقاله من در زمینه ذوالقرنین قرآن کریم بود. همان توصیف معلم علوم اجتماعی سال سوم راهنماییم از ذوالقرنین بود

سال سوم راهنمایی بودم که یک روز معلم تعلیم اجتماعی در مورد ذوالقرنین در کلاسما صحبت می کرد و به پیدا شدن نقش برجسته ای در تخت جمشید اشاره کرد که اثبات می کرد ذوالقرنین درقرآن کریم همان کورش کبیر ایران است. سال ها گذشت دوره دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک ادامه دادم و در دانشگاه رشته مکانیک را برگزیدم و این مطلب تنها برایم خاطره ای شد. علاقه ام به ستاره شناسی من را به سمت آموزش این علم و همگانی کردن نجوم کشاند. سال ۷۹ بود که به طور رسمی با تنها مجله ستاره شناسی کشور "نجوم" شروع به همکاری کردم، ۲۰ مرداد همان سال ایران شاهد وقوع پدیده خورشید گرفتگی (کسوف) بود. مجله نجوم هم چند میهمان خارجی داشت، دانشمند آمریکایی مایک سیمونز مدیر رصدخانه مونت ویلسون لس آنجلس به همراه همسرش نیز جزو میهمانان مجله نجوم بود. اولین بار بود که در یک سفر علمی با یک آمریکایی همراه می شدم و فرصتی بود که می توانستم از دیدگاه او از ایران آشنا شوم. سفر تمام شد و من کاری نتوانستم کنم جز یک Hello و How are you?

یک سال گذشت و بار دیگر مایک تصمیم داشت به ایران سفر کند و من دوران به اصطلاح مقدس سربازی را سپری می کردم. این بار دیگر به خوبی زبان انگلیسی را مطالعه کرده بودم تا بتوانم با او و همسرش به راحتی صحبت کنم و برای دیدن او لحظه شماری می کردم. هنگامی که با مایک صحبت می کردم خیلی از مردم و فرهنگ ایران تعریف می کرد و جالب اینجا بود که می گفت: "هنگامی که تصمیم داشتم به ایران سفر کنم، تمامی دوستان می گفتند آنها تو را به گروگان خواهند گرفت." مایک به فرهنگ ما خیلی علاقه داشت و در تارنمای خود نیز بخش ویژه ای برای ایران در نظر گرفته بود. مایک می گفت: "ایران را در آمریکا به نام پرشیا می شناسند و هرگاه این کلمه را بر زبان می آوری هنوز آن قدرت و شجاعت باستانی ایرانیان در ذهن آمریکایی ها نقش می بندد." این نکته مایک را من واقعا در لندن تجربه کردم.

در همین سال بود که من با کلاس های زبان پهلوی استاد جنیدی در بنیاد نیشابور آشنا شدم و مطالعه در مورد زبانهای پهلوی را آغاز نمودم. همین کلاس ها بود که مرا به گذشته و نیاکانم علاقمند کرد.

پایان دوران مقدس شاید برای هر پسر ایرانی آغاز دنیایی تازه باشد، پیدا کردن شغل مناسب نیز آرزوی برای هم سن و سال های من بود.

با علاقه ای که به رایانه داشتم، طراحی تارنما را به عنوان پیشه در نظر گرفتم با اینکه ربطی به رشته ام (مکانیک) نداشت. اما علاقه من را به آن سمت کشاند.

بر اساس مندرجات کتاب تصویری که از ایرانیان هخامنشی (که یونانیان آنها را "بربر" می خواندند) به ما رسیده، آنها را بیشتر قومی ستیزه جو و ویرانگر می نماید. درحالیکه از برخی اسناد، حتی از زبان یونانیان منصف تری مانند هرودوت چنین بر می آید که آنها فرهنگی درخشان داشته و در تاریخ تمدن نقش برجسته ای ایفا کرده اند.

پروفسور بریان در کتاب تازه تری به عنوان "داریوش در سایه اسکندر" نشان می دهد که هرآنچه تاریخ درباره داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی روایت کرده، از رهگذر روایت زندگی اسکندر، یعنی رقیب و دشمن اصلی او نگاشته شده است. در نتیجه می توان گفت که سیمای راستین داریوش تا امروز در زیر هیبت و افسون اسکندر پنهان مانده است.

پروفسور تام هریسون از دانشگاه لیورپول، به جایگاه هخامنشیان در تاریخ نگاری معاصر غربی پرداخت. تحقیق او نشان می داد که این تاریخ نگاری در مواردی بسیار از روح بی طرفانه علمی به دور بوده و گاه به اغراض استعماری آلوده شده است.

پروفسور ریچارد نلسون فرای نیز از سخنرانان اولین روز همایش بود. او عمری دراز را در تحقیقات و مطالعات ایران شناسی سپری کرده و برخی از آثارش به زبان فارسی ترجمه شده است. آقای فرای به طرح نظریات و فرضیه های تازه ای در پیوند خانوادگی هخامنشیان با حکام سلف آنها یعنی مادها پرداخت. نکته قابل توجه هنگام سخنرانی پروفسور فرای این بود که ایشان گاهی به زبان پارسی شعرهای مولانا را می خواندند.

چندین سخنران نیز از محافل و بنیادهای علمی گوناگون با ارائه تازه ترین شواهد و اسناد به دست آمده طی کاوشها و حفاری های سالهای اخیر در پاکستان و آذربایجان و آسیای میانه، گوشه های پنهانی از سرگذشت هخامنشیان را معرفی کردند.

خانم دسپینا ایگناتیادو، کارشناس موزه تسالونیک در یونان در گفتار خود جوانب و ویژگی های شیشه گری هخامنشی را بر شمرد و با ارائه طرح ها و عکس های بیشمار، تأثیر آن را بر صنعت شیشه سازی یونانیان باستان تشریح کرد.

خانم آنی کویه، کارشناس موزه لوور، با ارائه نمونه هایی از آثار تزئینی و کاربردی از مجموعه های محفوظ در موزه لوور، رگه های بارز هنر هخامنشی را در دفرینه های بازیافته در قلمروی وسیع از شوش تا مصر نشان داد.

شاپور شهبازی استاد برجسته مطالعات هخامنشی نیز قرار بود در همایش حضور و سخنرانی داشته باشد، اما به علت بیماری از شرکت در آن باز ماند. روز دوم همایش را باید روز تخت جمشید نامید. گروه ایرانی-آلمانی ۳D Persepolis کوروش افهمی، شدا واسقی و ولفانگ گامیک با اجرای برنامه ای از پروژه بازسازی تخت جمشید را که از سال ۱۳۷۲ آغاز کرده بودند ارائه نمودند که واقعا جزو شگفت انگیزترین برنامه های همایش بود که تحسین همه را برانگیخت.

برنامه خانم باربارا آمبوستر نیز که در مورد فن آوری جواهر سازی دوران هخامنشیان سخن گفت نیز جالب توجه بود. در روز آخر همایش آقای طالبیان نیز در مورد فعالیت های در تخت جمشید و پاسارگاد سخن گفت. ایشان به سد سیوند نیز اشاره داشت. هنگامی که آقای طالبیان در مورد سد سیوند سخن می گفت چهره های حیرت زده و ناراحت دانشمندان و باستان شناسان دیدنی بود.

که مرا به نوشتن این مقاله واداشت. بالاخره خلاصه مقاله را آماده کردم و برای دبیر همایش ارسال کردم. مرداد ماه ۸۴ بود که دبیر همایش برایم ایمیلی فرستاد که مقاله من در بخش سخنرانی پذیرفته نشده است اما اشاره کرد که می توانم در همایش شرکت کنم. همین برای من کافی بود تا مقدمات سفر به لندن را آماده کنم. هیجان خاصی داشتم نه به این علت که اولین سفرم به اروپا بود بلکه به این خاطر که مکانی می روم که از امپراتوری و نیاکان من سخن گفته می شود. صبح چهارشنبه ۶ مهرماه به سمت لندن پرواز کردم تا در صبح روز بعد در همایش شرکت کنم.

ساعت ۷ شب به لندن رسیدم خانه ای در نزدیکی موزه بریتانیا اجاره کردم تا صبح به راحتی به همایش برسم. ساعت ۸ خود را به موزه بریتانیا رساندم. پلاکاردهای تبلیغاتی از امپراتوری فراموش شده هخامنشیان جلب توجه می کرد. از اصلی موزه وارد محوطه موزه شدم اولین کسی را که دیدم شاهرخ رزمجو بود باورش نمی شد که برای همایش لندن آمده باشم. او هم جزو سخنرانهای همایش بود. روز اول همایش با خوشآمدگویی جان کرتیس از مسئولان موزه بریتانیا شروع شد. پروفسور پیر بریان اولین سخنران همایش بود، استاد برجسته تاریخ یونان و ایران هخامنشی در کولژ دو فرانس. تحقیقات ژرف بریان را می توان نقطه عطفی در پژوهش های تاریخی سالهای اخیر دانست. او از پژوهشگرانی است که با بازخوانی نقادانه متون گذشته و ژرف نگری در اسناد نویافته، بسیاری از اسطوره های کهن و آشنای تاریخ هخامنشیان را به چالش گرفته است.

کتاب اصلی او به نام "تاریخ امپراتوری ایران باستان (از کوروش تا الکساندر)" بی گمان مهمترین اثر در تحقیقات ایران شناسی سالهای اخیر است.



کتاب به فاصله ای اندک به زبانهای انگلیسی و آلمانی ترجمه شد و جای خود را در محافل علمی باز کرد. از کتاب مزبور دو ترجمه به زبان فارسی وجود دارد، که آقای بریان تنها یکی از آنها را معتبر و درست می داند.

وقتی با پروفسور در زمینه علاقه ام به ایران صحبت کردم و نارنمای دوشارم را توصیف کردم، یک نسخه انگلیسی از کتابش را با امضا خود به من اهدا کرد.

در مقاله پروفسور به این نکته اشاره شد که تاریخ هخامنشی عمدتاً از نوشته های یونانی به ما رسیده که با ایرانیان خصوصیت دیرین داشته و طبعاً تصویری ناخوشایند از آنها ارائه داده اند. بنابر این اسناد و مآخذ یونانی در این زمینه را باید از نو، با احتیاط فراوان و با دیدی نقادانه بازخوانی کرد.

موزه بریتانیا به دلیل داشتن گنجینه هایی از ایران، مصر و یونان شهره جهانی است، نکته قابل توجه در نمایشگاه امپراتوری فراموش شده مجسمه های به نمایش گذاشته در نمایشگاه بود. مجسمه سازی ایران در زمان هخامنشیان آمیخته با دقت، و شیفته بیان جزئیات بوده است، مجسمه ها طبیعی تر از مجسمه های مصری است اما مجسمه های یونانی، که تاریخ آن از ایرانی ها جدیدتر است، از نظر طبیعی بودن، از مجسمه های ایرانی برتری بودند.

چرا امپراتوری فراموش شده؟

عنوان نمایشگاه هخامنشی در لندن با نام دکتر "جان کرتیس" آمیخته است و نمایشگاه امپراتوری فراموش شده با تلاش او برپا شده بود.

در همایش دکتر کرتیس را ملاقات کردم و از او درباره عنوان "امپراتوری فراموش شده" پرسیدم او گفت که انتخاب این عنوان به معنای فراموش کردن ایران باستان و میراث آن توسط مردم ایران و کشورهای دیگر منطقه نیست، بلکه به معنای فراموش شدن اهمیت ایران باستان توسط غرب است.

به اعتقاد کرتیس "جهان و به ویژه غرب، تمدن ایران باستان را عمدتاً از نگاه مخدوش یونانیان و تاریخ‌نگاری دشمنان ایران باستان می‌شناسند و زمان آن فرارسیده بود که دنیا اهمیت واقعی و چهره حقیقی این تمدن درخشان و فراموش شده را دریابد و در نگرش سنتی، ناقص و منفی خود به ایران قبل از اسلام بازنگری اساسی صورت دهد."

کرتیس که رییس بخش خاور نزدیک باستان در موزه بریتانیا است، امیدوار است که برپایی این نمایشگاه توانسته باشد بخشی از غبار فراموشی و تحریف ناشی از غرض ورزیهای تاریخ‌نگاران یونانی را از تاریخ ایران عصر هخامنشی زدوده باشد.

جمع آوری امضا در جلوی در موزه بریتانیا

روز بعد از همایش که در واقع روز تعطیل بود به موزه بریتانیا رفتم تا به دقت از نمایشگاه بازدید داشته باشم. جلوی در نمایشگاه توده ای از مردم جمع شده بودند. جلوتر که رفتم متوجه شدم که ایرانی هستند. بله ایرانی هایی که آمده بودند تا برای اعتراض به سد سیوند امضا جمع کنند. چقدر جالب هموطنان ما در لندن هم نگران این موضوع هستند. تا آن موقع بیش از ۲۰۰۰ نفر نامه اعتراض را امضا کرده بودند. حتی کودکان هم در حال امضا بودند آنها نیز نگران فرهنگ خود هستند با اینکه در فرهنگی بیگانه در حال رشد هستند.

نکته جالب توجه ای که من دیدم یک آلمانی بود که آمده بود تا نامه اعتراض را امضا کند، از او پرسیدم چرا شما این نامه را امضا کردی؟ گفت امپراتوری هخامنشی نباید فراموش شود!!! آیا ما باید با دست خود نیاکانمان را به فراموشی بسپاریم؟

از برجسته ترین برنامه های روز آخر برنامه آقای شاهرخ رزمجو نیز جالب توجه بود. شاهرخ قبل از برنامه به من اشاره کرد که یک نظریه جدید ارائه خواهد داد. شاهرخ رزمجو از تخت جمشید سخن گفت و در اثبات کرد که تخت جمشید که سالهاست به عنوان کاخ های شاهان هخامنشی شناخته می شود در واقع پرستشگاه هایی در دوران هخامنشیان بوده است. شاهرخ انتظار داشت که دانشمندان و باستان شناسان در همایش این نظریه را نپذیرند. اما اسناد و مدارکی که شاهرخ رزمجو ارائه داد بسیار روشن و واضح بود.

همایش در بعد از ظهر شنبه به کار خود پایان داد. در پایان همایش نیل مک گرگور رئیس موزه بریتانیا این همایش را ستود و اشاره کرد که تا بحال در موزه بریتانیا چنین همایشی با برنامه ریزی دقیق انجام نشده بوده است و تلاش ایرانیان را برای برگزاری همایش و نمایشگاه هخامنشیان ستود.

نمایشگاه "امپراتوری فراموش شده"

باید بگویم زیبا ترین نمایشگاهی بود که در ۲۶ سال عمر خودم دیده بودم. هنوز هم شور و هیجانی که هنگام دیدن استوانه کوروش کبیر (نگین موزه بریتانیا) داشتم در دلم موج می زند.

بیش از ۴۰۰ قطعه مهم از دوره هخامنشیان در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده بود که برای نخستین بار در کنار هم قرار می گرفتند، که ۸۰ قطعه آن از موزه ایران باستان در تهران قرض گرفته شد. قطعات دیگر از موزه های لوور پاریس و مجموعه موزه بریتانیا لندن گردآوری شده بودند. برخی از آثار این نمایشگاه برای اولین بار در خارج از ایران به نمایش گذاشته می شدند.

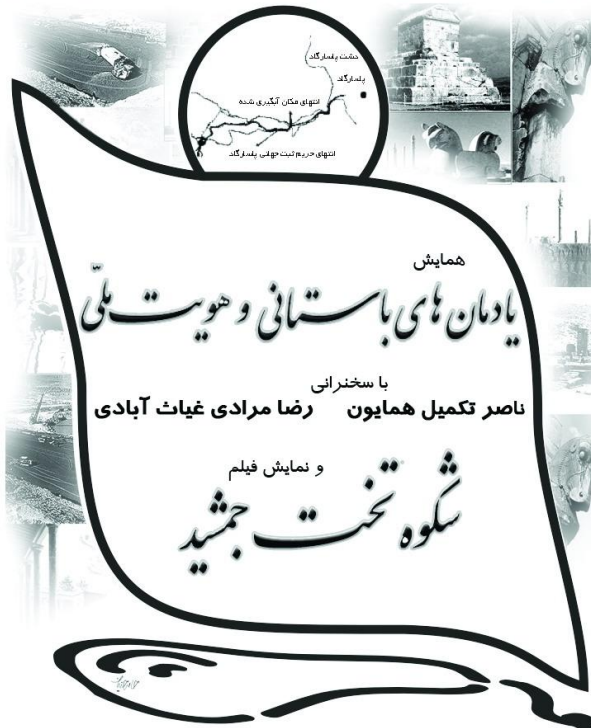


متاسفانه ایرانی ها در قالب هنرمند، معمار، زبان شناس، قانون ساز، مبدع اجتماعی، و آزاد اندیش در حوزه مسائل دینی، بد به جهانیان شناسانده شده اند و مورد اتهام قرار گرفته اند و نتیجتاً جهان هم آنها را درست درک نکرده است، همین درک نادرست است که به روابطی این چنین با ایران امروز منجر شده است.

وجود چنین نمایشگاه در لندن که تا به آن روز بیش از ۳۰۰۰۰ نفر از آن بازدید کرده بودند بسیار افتخار آفرین بود. باید به همه کارشناسان چه ایرانی و چه خارجی که چنین نمایشگاهی را برپا کردند دست مریزاد گفت.

یادمان‌های باستانی و هویت ملی لیلا صمدی

زمین را منم تا تاریخ بشین ملزاه مرا تا بلرزک زمین



دوشنبه ۵/دی ماه/۱۳۸۴ ۳ تا ۶ بعد از ظهر
تالار رازی دانشکده داروسازی دانشگاه تهران

مکانیز امدی سینما انیس ابرار انیس برمنگه‌ی آریا

تهدیدکننده و هم نقش تعالی دهنده داشته باشد که متأسفانه بیشتر از جنبه تخریبی آن استفاده می شود. به باور این پژوهشگر در هر جایی از ایران که هنوز پای تلویزیون به آن باز نشده است می توان فرهنگ اصیل و انسانی ایرانی را دید.

این باستان ستاره شناس به مساله جعل نام "خلیج فارس" به عنوان یکی از مسایلی که تاریخ و هویت ملی کشور را تهدید می کند اشاره کرد و گفت: از آنجا که مردم جز واکنش های طبیعی تاثیری بر این موضوع ندارند، در مقابله با این مساله به جایی نمی رسیم. وی از انجمن ها و کسانی که در راستای حفظ هویت و تاریخ ملی فعالیت می کنند خواست هویت و تاریخ کشور را به صورت علمی و تخصصی بررسی کنند تا زمانی که با مسایل تهدیدکننده آن مانند سد سیوند و خلیج فارس مواجه می شوند، هرکسی به خود اجازه ندهد مطالبی خلاف واقعیات عنوان کند. به اعتقاد دکتر غیاث آبادی کسانی که در زمینه تاریخ و هویت ملی فعالیت می کنند باید در زمینه شناخت ایران فعالیت تخصصی انجام دهند و آن را پیگیری کنند. وی افزود: سفرهای گروهی به نقاط باستانی کشور جالب است اما وقت آن رسیده که جزیی تر به این آثار نگاه کرد و آنها را از منظر معماری ، باستان شناسی و... بررسی کرد.

همایش "هویت ملی و یادمان های باستانی" روز دوشنبه پنجم دی ماه در تالار همایش رازی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تهران با حضور جمعی از استادان دانشگاه، دانشجویان و ایران دوستان برگزار شد. کانون های آریا و سپینا از دانشگاه علوم پزشکی تهران، "انجمن فرهنگی ایران زمین" (افراز) و "پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان های باستانی" (دشت پاسارگاد)، برگزارکنندگان این همایش بودند.

در آغاز همایش مجری برنامه با یادآوری این که در دومین سالروز رویداد غمبار زمین لرزه بم قرار داریم از باشندگان خواست تا با یاد درگذشتگان دقیقه ای را به سکوت بگذرانند. وی پس از اشاره به نابودی ارگ تاریخی بم در آن رخداد، درباره نابودسازی بسیاری از سازه های باستانی سخن گفت که بر دست مسؤلان ناآگاه صورت می گیرد.

سپس دکتر "رضا مرادی غیاث آبادی" باستان شناس، در سخنان خود به "یادمان های باستانی و فرهنگ ملی" پرداخت و اشاره کرد: راه حفظ فرهنگ ملی، بزرگ نمایی یا ساختن افتخارات باستانی نیست بلکه نیاز به بیان واقعیات است. تاریخ ایران آنقدر بزرگی دارد که ما چون دیگران نیاز به جعل نداشته باشیم.

غیاث آبادی از تلویزیون به عنوان عامل موثر در نگه داشت هویت و تاریخ ایران یاد کرد که هم می تواند نقش

برای اعتراض به آبیگری سد سیوند از سوی این پایگاه و یاری سایر انجمن های غیر دولتی صورت گرفته، برشمرد. وی با بیان این که آرامگاه کوروش به عنوان رهبر سیاسی ایران باستان، نماد هویت ملی ماست، افزود: تخریب آثار باستانی در درازمدت ما را بی هویت و پراکنده خواهد کرد. افشاری گفت: کوتاهی نهادهای دولتی در حفظ آثار باستانی، وظیفه نهادهای غیردولتی را سنگین تر می کند. وی با اشاره به این که ایران از کهن ترین تمدن های جهان است گفت: طبیعی است هر فعالیت عمرانی در برخورد با سازه های باستان قرار گیرد به ویژه این که بیشتر سازه های قدیمی در کنار آب هستند فعالیت هایی چون سدسازی با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد. پس ما باید برای این که هر دو را در کنار هم داشته باشیم سازوکاری دقیق بیابیم تا هم بتوانیم از انبوه فواید میراث فرهنگی بهره مند شویم و هم نیازهای امروزی خود را برطرف کنیم. در مواردی هم که داشتن هر دو این ها امکان پذیر نیست باید آنچه را از دست می دهیم و آنچه را به دست می آوریم سبک و سنگین کرده، خردمندانه تصمیم بگیریم.

افشاری در ادامه سخنان خود بر این نکته پا فشرد که درباره مشکل سد سیوند نیز ما دقیقا همین راه را دنبال می کنیم. یعنی اگر برای بهره برداری از سد، چند مشکل بزرگی را که به آن وارد است برطرف شود و به دل نگرانی دوستداران فرهنگ ایران پاسخ داده شود این معضل نیز قابل رفع است، ولی متأسفانه گویا برای راه اندازی این سد شتابی وجود دارد چون در حالی که کارشناسان حداقل زمانی را که برای مستندسازی تنگه بلاغی لازم است ۶ سال عنوان کرده اند احتمال آبیگری آن در اوایل اسفندماه می رود. کما این که مشکلات ناشی از رطوبت دریاچه پشت سد نیز به قوت خود باقی است. دبیر "پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان های باستانی" ضمن اشاره به کوشش هایی که پایگاه داشته، نامه ای را که از سوی آنان و به نمایندگی نزدیک به ۳۰ انجمن غیردولتی برای رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری فرستاده و در آن خواهان تعویق ۶ ساله آبیگری سد سیوند شده، خواند و تاکید کرد: پیگیر آن هستیم. رونوشت این نامه برای وزیر نیرو و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نیز فرستاده شده است که پایگاه هنوز پاسخ درخوری نگرفته است (متن این نامه در پایان گزارش آورده شده است). افشاری گفت: با یاری دوستان دانشجویی ما برای تعویق ۶ ساله آبیگری سد سیوند آماده شده که می توانید پای آن را امضا کنید. بیانیه پایگاه نیز بر روی تارنمای آن قرار خواهد گرفت تا نسبت به جمع آوری امضا از سراسر ایران اقدام شود. هم چنین قصد داریم تا در بهمن ماه همایش دیگری را در همین محیط دانشجویی برگزار کنیم که در آن با دعوت از کارشناسانی که مخالف راه اندازی سد هستند و مسئولانی که قصد به انجام رساندن آن را دارند به پرسش های جامعه پاسخ دهیم. امید داریم که مسئولان محترم دعوت ما را بپذیرند. دکتر جعفری، مدیرکل امور فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز در این همایش با آوردن آیه هایی از قرآن کریم، گفت: شکی نیست گذشتگان یا خوب بودند یا بد و ما در هر شرایطی برای عبرت آموزی باید نگهدارنده آثار به جای مانده از آنان باشیم. به اعتقاد جعفری اگر ما نتوانیم رابطه دین و فرهنگ

به گفته این باستان شناس ما باید برای احیای تاریخ و هویت ایرانی جدید بیشتری به خرج دهیم، هر ایرانی گنجی از معنا، تاریخ و فرهنگ ایرانی است و می تواند سینه به سینه این فرهنگ غنی را انتقال دهد.

غیاث آبادی تحریف های کتاب های درسی در مورد تاریخ ایران باستان را مورد بحث قرار داد و گفت: باید با کار علمی و تخصصی نسل آینده را نسبت به تاریخ کشور آگاه کنیم تا از گسستگی فرهنگی نسل ها جلوگیری کنیم.

در بخش دیگری از این همایش دکتر ناصر تکمیل همایون، جامعه شناس و کارشناس مسایل فرهنگی در سخنانی با عنوان "یادمانهای باستانی و هویت ملی" که عنوان همایش نیز بود پس از شکافتن معنای هویت ملی، آن را واژه ای فلسفی قلمداد کرد که به مسایل اجتماعی کشیده شده است. وی عجین شدن و ادغام فرهنگی در سرزمین های پارسی زبان را نشانه تشخیص و عینیت فرهنگ ایرانی برشمرد و افزود: با وجود این که مرزهای سیاسی، این سرزمین ها را از هم جدا کرده ولی هنوز یگانگی و وحدت در بین مردم سرزمین های پارسی زبان و ایرانی فرهنگ حس می شود.

تکمیل همایون پس از آوردن نمونه هایی از اعیاد و مراسم باستانی که در آنها هر ایرانی جدا از دین، قومیت یا زبان به اشتراکات انسانی عالی می رسد، این سنت ها را به عنوان نمادهای تاریخ و فرهنگ ایران یاد کرد و گفت: بسیاری از مجموعه هایی که می تواند به ما هویت دهد امروز از بین رفته است.



وی از ناهماهنگی سازمان های دولتی در حفظ آثار باستانی به عنوان عاملی دیگر در انسجام وحدت و هویت ملی - گله کرد و گفت: امروز هر سازمانی برای خودش کار می کند و ملاحظات تاریخی در نظر گرفته نمی شود.

این جامعه شناس و استاد تاریخ با اشاره به سد سیوند و مشکلات پیش روی آن گفت: سد برای آبادانی کشور لازم است اما حفظ میراث فرهنگی هم به نوبه خود لازم و واجب است. وی افزود: شاید اگر روزی بنا به انتقال پایتخت باشد، زیباترین و مناسب ترین مکان برای ایجاد پایتخت، پاسارگاد است.

در بخش دیگری از این همایش "علیرضا افشاری" دبیر پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان های باستانی به عنوان برگزار کننده اصلی این همایش، فعالیت هایی را که تاکنون

بیشتر و اراده قوی تر در حال انجام است. این همایش با پخش فیلم "شکوه تخت جمشید" و خواندن سرود ملی "ای ایران" به پایان رسید. سپس باشندگان با گذاشتن امضا بر پای توماری که بر دست "کانون ایران شناسی پاسارگاد" دانشگاه تهران آماده شده بود خواستار تعویق چهارساله آگیری سد سیوند شدند. این تومار پس از گردآوری امزاهای دانشجویان دانشگاه تهران و در صورت امکان دیگر دانشگاه های پایتخت در همایش تخصصی سیوند تحویل مسئولان مربوطه خواهد شد.



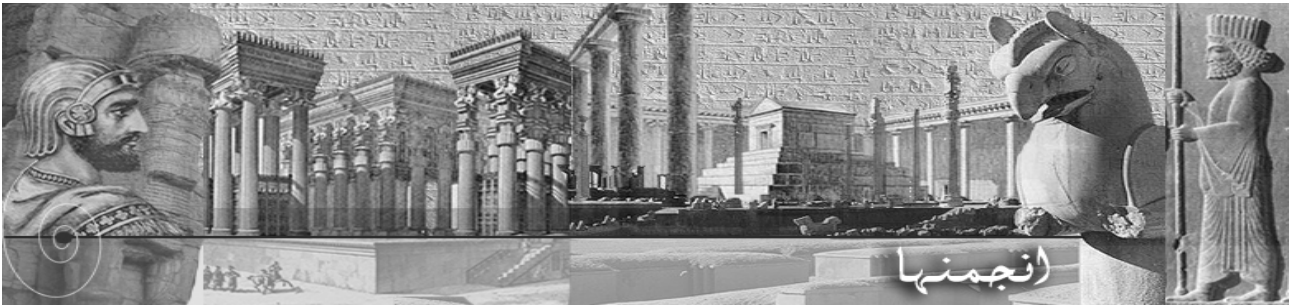
ملی را تبیین کنیم و بین آن تناسب ایجاد کنیم، شکست خواهیم خورد. وی با برشمردن علل اینکه باید فرهنگ گذشتگان تبیین شود، افزود: دشمنان همواره سعی در از بین بردن هویت ملل دارند چنان که معاویه علیه ایرانیان این کار را انجام داد. جعفری گفت: با توجه به اینکه امروز غرب نیز به دنبال از هم گسیختگی فرهنگی ایران است، وظیفه جامعه علمی کشور، شناساندن "من ایرانی" است. وی با بیان اینکه فقط شخصیت فردی گذشتگان نباید مورد توجه قرار گیرد، افزود: فردی مانند "دیاکو" بنیانگذار حکومت در ایران و جهان - بود و این برای فرهنگ ایران يك ارزش محسوب می شود. وی افزود: افتخار امروزین ما به تخت جمشید تنها به دلیل احترام به يك بنای عالی سنگی نیست بلکه تخت جمشید اثبات هویت گذشته ما است که این اثبات به معنای نفی دیگر هویت ها نیست چرا که توصیه بزرگان ما این است که همواره پاسدار هویت های دیگران باشیم.

وی همچنین از برگزاری همایش "کوروش بزرگ" در دانشگاه تهران خبر داد و افزود: از آنجا که کوروش به عنوان يك شخصیت سیاسی در ایران باستان مورد توجه همه ادیان الهی است و چنین شخصیتی در تاریخ جهان بی نظیر است، وظیفه جامعه علمی ایران این است که وی را به نسل حاضر و جهانیان بشناساند.

به اعتقاد جعفری وظیفه فرهنگی ما شناساندن شخصیت عدالت گستر جهانی کوروش به نسل امروز است. جعفری با ابراز تاسف از اینکه طیف وسیعی از مردم و مسئولان جایگاه حقیقی این همایش را درک نمی کنند، گفت: این مساله به دلیل خلایبی است که بین هویت ملی و هویت اسلامی ما به وجود آمده و بر عهده نسل فرهنگی امروز است که جایگاه این شخصیت برجسته را در دنیای امروز تبیین کند. وی افزود: قصد بر این است در این همایش از علمای همه مذاهب و اقلیت های مذهبی کشور دعوت شود تا در تبیین جایگاه کوروش که مورد اتفاق همه آنان است، مقالاتی را ارائه دهند.



مدیرکل امور فرهنگی و فوق برنامه دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت: امروز ما به عنوان فرزندان کوروش می توانیم از علم غرب به عنوان يك دستاورد مثبت جهانی استفاده کنیم و در عین حال در تبیین گذشته خویش کوشا باشیم تا از گسستگی فرهنگی بین امروز و دیروز جلوگیری کنیم. امروز تخریب فرهنگ و هویت ملی از سوی تهدیدکنندگان با قدرت



معرفی انجمنها

جمعیت سپندارمدان

شهر: ری
زمینه فعالیت: میراث فرهنگی و گردشگری
سال تاسیس: ۱۳۸۱
دبیر: وحیده سلیمانی
ارتباط:

رایانامه (انجمن): sepandarmand@hotmail.com

اطلاع رسانی:

گاه نامه سپندارمد

توضیحات:

این جمعیت که به نام جمعیت دختران ایرانی هم نامیده می شود (زیرا تمام اعضای شورای مرکزی آن را دختران تشکیل داده اند) فعالیت خود را بر روی ثبت آثار شهرری معطوف داشته است و موفق شده تا کنون ۶ مورد از آثار شهرری را به ثبت ملی بر رساند و در حال ثبت ۱۰ اثر دیگر می باشد.

کانون خورشید

شهر: تهران
زمینه فعالیت: فرهنگی
سال بنیاد: ۱۳۷۸

دبیر: شروین وکیلی

ارتباط:

رایانامه: shervinvakili@yahoo.com

اطلاع رسانی:

تارنگار (کانون): Kanoon-khorshid.org

Soshians.net

تارنگار (دبیر): Sherwinvakili.com

توضیحات:

شعار ما این است:

کالای ما معناست

جمعیت حامیان زمین

شهر: تهران
زمینه فعالیت: آسیبهای اجتماعی، زمین و محیط زیست
سال تاسیس: ۱۳۸۰

دبیر: سعید طهماسبیان

ارتباط: ahmadhosein_azimi@gmail.com

توضیحات:

فعالیتها: انجام شده جمعیت:

برگزاری تورهای علمی-تفریحی راجع به محیط زیست، تشکیل چندین سمینار علمی درباره محیط زیست، برخورد با آسیبهای اجتماعی.

کانون گسترش فرهنگ ایران بزرگ

شهر: اصفهان
زمینه فعالیت: ایران شناسی
سال تاسیس: ۱۳۸۱
دبیر: دکتر شاهین سپنتا
ارتباط:

رایانامه (انجمن): greatirancenter@yahoo.com

رایانامه (دبیر): drshahinsepanta@yahoo.com

صندوق پستی ۱۷۷۱-۸۱۴۶۵

نمبر: ۰۳۱۱-۶۶۱۴۲۲۴

آدرس: اصفهان - آپادنا اول - کوی شهرز - شماره ۵۶ - طبقه دوم

اطلاع رسانی:

تارنگار (دبیر): drshahinsepanta.persianblog.com

توضیحات:

جهان بینی: جهان بینی خردگرای ایرانی (جهان بینی)

اهداف و مرامنامه کانون گسترش فرهنگ ایران بزرگ

۱- پاسداشت هویت ملی ایرانیان و تلاش در جهت شناخت و شناساندن ریشه های فرهنگی و تاریخی مشترک مردمان سرزمین های ایرانی و فارسی زبانان سراسر جهان

۲- تلاش در جهت شناخت متقابل اقوام و همبستگی اقوام ایرانی و ایرانی تباران سراسر جهان

۳- تلاش در جهت پاسداشت و گسترش زبان فارسی و دیگر زبان ها و گویش های رایج در سرزمین های ایرانی

۴- تلاش در جهت شناخت و شناساندن و ارج نهادن به تلاش های فرهنگ سازان، ایران شناسان و نام آوران ایران بزرگ

۵- تلاش در جهت شناخت و شناساندن فرهنگ، هنر و تاریخ پر فراز و نشیب ایران و کوشش در جهت حفظ میراث فرهنگی ایران زمین

۶- تلاش در جهت شناخت و شناساندن فرهنگ عامه (فولکلور) نواحی مختلف ایران

ایجاد ارتباط پژوهشی میان ایران شناسان و ایران دوستان در درون و برون کشور

موسسه مهرآیین

شهر: رامهرمز
 دبیر: فرهاد باغبانی
 ارتباط:

رایانامه (انجمن): mehraein_ngo@yahoo.com
 صندوق پستی: ۶۳۸۱۵-۱۵۸

کانون جوانان پارس

شهر: شیراز
 دبیر: روجا لطفی نژاد
 ارتباط:

رایانامه (انجمن): k.j.pars@gmail.com
 رایانامه (دبیر): k.j.pars@gmail.com

انجمن پژواک نو

شهر: تهران
 زمینه فعالیت: هنری (تاتر - فیلم)
 سال تاسیس: ۱۳۷۶
 دبیر: آذر خزاعی سرچشمه
 ارتباط:

فکس: ۳۳۴۱۹۸۰۵

کانون آریا

شهر: تهران
 زمینه فعالیت: فرهنگی
 سال بنیاد: ۱۳۸۳
 دبیر: امیرهوشنگ امیدواری
 ارتباط:

رایانامه (انجمن): anjomanearia@yahoo.com
 آدرس: دانشگاه علوم پزشکی تهران، دفتر کانون‌های دانشجویی، روبروی سلف خواهران.

موسسه کاوه آهنگر

شهر: همدان
 زمینه فعالیت: اجتماعی - فرهنگی (تاریخ و فرهنگ ایران)
 سال تاسیس: ۱۳۸۰
 دبیر: مهرانوش نجفی
 ارتباط:

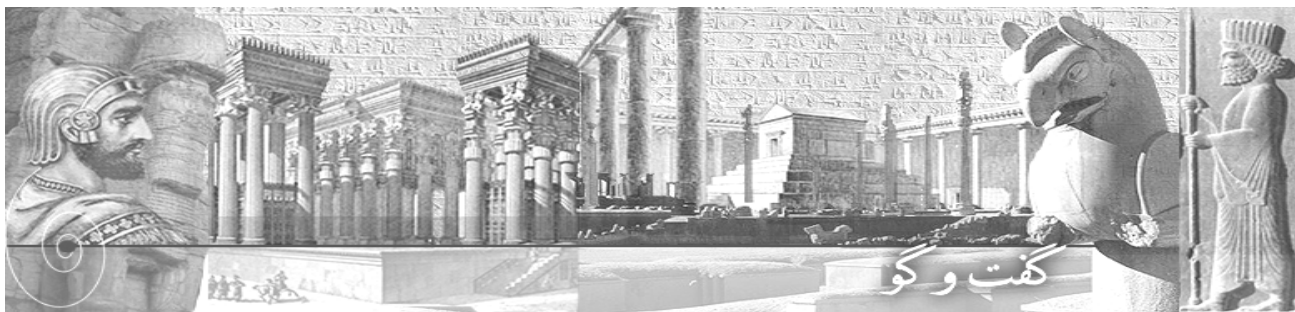
رایانامه (انجمن): mehr1979@msn.com
 شماره: ۸۱۱-۸۲۵۲۱۹۱

کانون ایران‌شناسی پاسارگاد

شهر: تهران
 زمینه فعالیت: ایران‌شناسی
 دبیر: مریم حسینی
 ارتباط:

رایانامه (انجمن): pasargodassembly@yahoo.com





سازمان میراث فرهنگی ، کمبود بودجه ، ناتوان در رسالت خود لیلا صمدی

وی می افزاید : زمانی که سد اسوان در مصر ساخته شد ، مجسمه ابولهلول را جابجا کردند اما متأسفانه جاده درون کوه و برخی دیگر از این آثار قابل انتقال نیستند.

وی در مورد این سنوال که گفته می شود: " رطوبت هوا تخت جمشید و رطوبت خاک پاسارگاد را خراب می کند" تا چه حد صحت دارد ، می افزاید:

اگر این گونه باشد ، آثار باستانی ایتالیا با میزان بارش سالانه بیش از ۱۲۰۰ میلیمتر ، بیشتر مورد تهدید است ، در حالیکه میزان بارش سالانه اطراف تخت جمشید ۴۰۰ میلیمتر است.

به اعتقاد وی عوامل انسانی بیشتر از رطوبت آب و خاک آثار باستانی را تهدید می کند.

صداقت کیش در مورد اینکه آثار باستانی را چگونه باید از خطرات احتمالی نجات داد می گوید : شناسایی آثار بسیار اهمیت دارد ، باید سازمان میراث فرهنگی قدرت اجرایی داشته باشد تا بتواند از خطرات احتمالی جلوگیری کند.

به اعتقاد وی در مسایلی مانند ساخت سد ، سازمان میراث فرهنگی ، وزارت نیرو و جهد کشاورزی باید با هم مشورت کنند تا به راه حلی دست پیدا کنند که آثار باستانی مورد تهدید قرار نگیرد.

این باستان شناس در ارزیابی حرکت‌های اعتراضی به ساخت سد می گوید : هیچ راهی برای نجات تنگه بلاغی و زیر آب رفتن آن وجود ندارد زیرا برای راه اندازی سد عزم مصمم وجود دارد اما آنچه مبهم‌اغت این است که این حرکتها پانکی است برای حفظ آثار دیگر.

در ادامه گفت و گو با کارشناسان و باستان شناسان ، پای سخن دکتر جمشید صداقت کیش " مدیر پژوهشکده فارس" می نشینیم تا نکته ها و ناشنیده هایی را در مورد سد سیوند و تنگه بلاغی بازگو کند.

دکتر صداقت کیش می گوید : در تنگه بلاغی يك جاده و يك گور مربوط به دوره هخامنشیان وجود دارد و تا سال ۸۲ که از این تنگه بازدید کردم ، در آثار نوشتاری خارجی و داخلی از آنها نامی برده نشده بود.

وی می افزاید : تنها در کتاب سامی که در مورد تمدن هخامنشی بحث می کند ، در مورد کتیبه ای که در تنگه بلاغی وجود دارد ، مطالبی نوشته شده است.

در حالیکه نتیجه تحقیقات کارشناسان خارجی و ایرانی نشان می دهد که بیش از ۱۳۲ آثار تاریخی در تنگه بلاغی موجود است.

صداقت کیش عملکرد دستگاه میراث فرهنگی را به نسبت داشته های موجود بسیار ضعیف عنوان می کند و می گوید ، سازمان میراث فرهنگی ، از نظر بودجه ، نگهداری ، مرمت و کشف آثار باستانی بسیار کند عمل می کند.

وی اطلاع رسانی در مورد آثار باستانی مورد تهدید را ، بسیار ضعیف عنوان می کند و می افزاید : وقتی ساخت سد سیوند آغاز شد ، سازمان میراث فرهنگی خبر نداشت که آثار باستانی زیر آب می رود و این نشانگر ضعف سازمان است.

به اعتقاد صداقت کیش وقتی اطلاع نداشته باشیم که چه خطری آثار باستانی را تهدید می کند ، هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم.

وی در بیان اهمیت این تنگه می گوید: هیچ تردیدی نیست که راه مواسلاتی جنوب فارس و تخت جمشید به پاسارگاد از این تنگه بوده است ، برای اینکه جاده ای که در این تنگه وجود دارد کوه را به پهنای حدود دو متر بریده است.

این باستان شناس می گوید: وقتی راه عمده مواسلاتی شاهنشاهی در تنگه بلاغی وجود دارد با اطمینان می توان گفت ، تأسیسات میان راهی هم در تنگه بلاغی وجود دارد با این تفاوت که این تأسیسات از بین رفته است.

وی در مورد اینکه چه مقدار از آثار باستانی زیر آب می رود ، می افزاید: دست اندر کاران ساخت سد اجازه بازدید نمی دهند ، باید منتظر کارشناسان داخلی و خارجی در مورد صدمات سد به میراث فرهنگی بود.

صداقت کیش در مورد صحت اطلاعات کارشناسان می گوید : صحت اطلاعات آنان را بی طرفی و تخصصشان مشخص می کند. وی می افزاید : این سد به هیچ وجه به آرامگاه کوروش صدمه نمی زند ، مگر اینکه سد يك روز بشکند ، و آن را از بین ببرد.

صداقت کیش با انتقاد از سازمان های مرتبط می گوید : دلسوزی ها باید قبل از ساخت سد انجام شود نه بعد از آن.

این باستان شناس می گوید : ما در کنار تنگه بلاغی تپه رحمت آباد را داریم که مربوط به دوره ما قبل تاریخ است و جزو آثار در معرض خطر است.





ریاست محترم جمهور
جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد

با سلام.

کسانی که به صورت خودجوش و غیرانتفاعی در «پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی» (دشت پاسارگاد) گرد هم آمده‌اند و پی‌گیر نجات آثار ارزشمند تنگه‌ی بلاغی در شمال شهر شیراز که با آبیگری سد سیوند نابود خواهد شد، هستند از شنیدن سخنان شما در نشست خبری با خبرنگاران بسیار خوشحال شدند که گفتید: «اجازه داده نخواهد شد پروژه‌های عمرانی چون سدسازی کمترین آسیبی به آثار تاریخی و باستانی ایران وارد کند» و «اگر این پروژه‌ها موجب آسیبی به آثار تاریخ ما شود، آنها را تغییر یا تعدیل خواهیم کرد».

ما نیز بر این باوریم راه رسیدن به پیشرفت فرهنگی و دانشی، که مورد تأکید شخص شما هم هست نگاهی خردمندانه به سه سرمایه‌ی شکل‌دهنده‌ی ایرانی امروزی یعنی «ایرانی بودن»، «اسلامی بودن» و «بهره‌وری از دانش جهانی» است، دانشی که بخش مهمی از آن توسط دانشمندان مسلمان- به ویژه ایرانیان- بالنده و به دست غربیان سپرده شد، و نادیده گرفتن هر یک از این سه وجه از توانمندی ما کاسته و راه ایران را برای رسیدن به منزل مقصود ناهموار می‌کند.

اینک از شما در مقام مرجعی آگاه، همراه و توانمند - همان‌گونه که در حل مشکل برج جهان‌نما شاهد بودیم - خواستاریم یاریگرمان باشید و دستور فرمایید کار ادامه‌ی ساخت سد سیوند را فوراً متوقف کنند تا مطالعات جامع و دقیق کارشناسی انجام شود که اگر در نتیجه‌ی آن مطالعات، آثار زیان‌بار سد قطعی تشخیص داده شد نیاز نباشد همانند بخش‌هایی از برج جهان‌نما تخریب شود. از این وقفه می‌توان برای رفع هرگونه شبهه درباره‌ی آسیب دیدن آثار دشت پاسارگاد و استخراج کامل اطلاعات و مستندسازی آثار تنگه‌ی بلاغی - برای شناخت بهتر تاریخ دیرینه‌سالمان که در ایستادگی امروز ما در برابر فرهنگ‌های مهاجم نقشی به سزا دارد - بهره جست.

برای آگاهی بیشتر به پیوست، متن نامه‌ای را که برای ریاست سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (ثبت شده در دبیرخانه‌ی آن سازمان به شماره‌ی ۱۲۳۳۴/۱/۸۴) فرستادیم و بی‌صبرانه در انتظار پاسخ هستیم، و همچنین متن بیانیه‌ای را که شماری از انجمن‌های دوستدار فرهنگ و تاریخ این مرز و بوم صادر کرده‌اند، آورده‌ایم. تلاش‌تان در راه سربلندی ایران و ایرانی مستدام‌باد.

**دبیر پایگاه اطلاع رسانی برای نجات
یادمان‌های باستانی (دشت پاسارگاد)**
علیرضا افشاری

رونوشت به:

- خبرگزاری‌های ایرنا، ایسنا و میراث‌خبر، و روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و شرق.

